

گفت‌وگو

سوارکاران ایران

اقداماتی که اخیراً برای پرورش و بهبودی نژاد اصیل اسب و نهاده سوارکاران لایق و کارآمد از طرف کانون سوارکاران بعمل می‌آید و مسابقه های گوناگون اسب دوانی که هر سال هنگام بهار و پاییز برای ترویج سوارکاران ایران میشود یکی از روشهای بسیار ستوده لیگان ما بوده که اینک خوشبختانه احیاء گردیده و روز بروز رویتوسه و ترقی می‌رود.

ایرانیان باستان نسبت به پرورش اسب و سواری پیش از سایر فنون ورزشی و قهرمانی ایران علاقه مینمودند.

حتی سواران دلیز ایران در روزگار باستان هنگامی که برای خود و محالوده خود از پروردگار نعمت و برکت و درخواست مینمودند برای اسبان خود نیز بر قدرت و قوت طلبیدند.

مهمترین آرزوی که برای اسبان خود میخواستند لذت و لذت و باد میمالی بود و از اینجاست که در کتبهای خود صفات باد و آب و مه و پرندگان را برای آنها بکار میبردند. شهریاران و پهلوانان و دلیران کشورهاشان را بواسطه اهمیت فوق العاده‌ای که برای اسب خوب قائل بودند پیوسته میخواستند تا اسب نیرومند و زیباترین پیدا کنند که شایستگی آنها را داشته باشد.

قسمت رختی رستم - شیرش کیخسرو - شیدیز خسرو پرویز که در شاهنامه آمده همه موبد این معنی و نمونه ای از علاقه فراوان پهلوانان و دلیران ایران برای یافتن اسبان تندرو و پیل زور است.

بطور کلی در روزگار پیشین هر کس دارای اسبی بادیه و بلند شیهه و صاحب پال و دم زیبا بود کاملاً مفتخر و معزز و بیکسخت بود و البته بواسطه سودهای بیشمار هم که از این دام اصیل میبردند سزاوار بود که تا این پایه بدان اهمیت دهند.

لیگان ما بهمان اندازه که در راه پرورش نژاد اصیل اسب رنج میبردند بهمان نسبت نیز سعی در آموختن سواران و پهلوانان خود مینمودند.

مطابق مدارک گوناگون تاریخی که در دست است در ایران باستان چنانکه هنوز هم در بین بعضی از قبایل ایرانی معمول است کودکان را از ۷ سالگی سواری میآموختند و علاوه بر سواری آنها را با انواع و اقسام هنرهای سواری و سوار خوبی آشنا مینمودند.

جوانان غرودسال ایرانی بقدری درسواری مهارت داشتند که هنگام چهار نعل رفتن اسب با کمال مهارت پیاده و سوار میشدند و هنگام سواری نیز اندازی مینمودند و هدفهای ثابت و سیار را آماج گریهای خود قرار میدادند.

دیگر از کارهایی که بعد از اسبان بادیه انجام میدادند شکار بود با اسب سراز و آهو و حتی گاهی ددان خون آشام از قبیل شیرور و را تعقیب مینمودند و با فلاخن یا تیر یا زوبین آنها را از پای در میآوردند.

از جمله هنرهای سواری سواران ماهر ایران بطوریکه هر فنون مورخ یونانی مینویسد تیراندازی قیاج بوده.

مورخ نامبرده مینویسد ایرانیان برای این بازی يك یا چند دکل با ارتفاع ۱۶ پا در خط سیر سواران نصب مینمودند و بالای آن پیاپاهائی بر تنه های گوناگون قرار میدادند. سواران ناخستگنان در جایی که تیر را در چله گمان نهاده اند بسوی دکل میتازند و همین که اندکی از دکل گذشتند ناگهان از راست یا چپ همانطور ناخستگنان عقب بر گشته تیر را بطرف پیاپاه میاندازند و آنرا از دکل سرگون میمانند.

در نتیجه پرورش این سوارکاران لایق و کار آمد بوده که می‌توانیم در همه جنگها و نبردهای که در روزگار باستان کشور ایران با کشورهای بیگانه داشته میفرمایم سواره نظام آن پیشرو سایر رسته های نظامی بوده و هنگام نبرد هنرهای فوق العاده از خود بروز میدادند. بطوریکه هیچ سواره و لشگری ناب مقاومت و برابری با جنگی سواران ایران را نداشته است و حتی از پهلوانان منظم و تازه نفس رومی در برابر سواران تیرانداز ایرانی میگریختند. خوشبختانه اینک یادگار آن جنگی سواران و مردان زنجی و دلیز در ایران فسر اوامند و شور و علاقه و افروزی برای فراتر رفتن فن سواری و پرورش اسب که یکی از حرفه های مقدس پدران ما بوده ایران میدارند و همه ساله مسابقه های اسب دوانی بهار و پاییز نسبت به سالهای پیش گرمتر و باشکوه تر و مفصل تر برگزار میگردد.

کمیته در روز جشن فرخنده چهارم اردیبهشت سال گذشته در میدان جلاییه هنگام سان و رژه ارتش شاهنشاهی حضور داشتند هنرهای سواران ایرانی را در سواری خوبی و تیراندازی قیاج و پرش و فنون سواری به خوبی ملاحظه نمودند که از پدران خود چیزی کم ندارند و البته با توفیق های گوناگونی که از سوارکاران میشود امیدواریم روز بروز دانش این ورزش ملی و بانفاتی در بین جوانان کشور توسعه یافته و خصوصاً جوانان مانع بچگان بازی که یکی از ورزشهای سواره ملی آنان بوده استقبال فراوان نمایند.

روانشناسی

غوغای جوانی

چه شبیهائی واضح کردم! تاسع نواخواید! تا خواندن غروب بیدار بودم! در تاریکی شب بای کپوراه اش زانو زده چشم از او بر نمیداشتم و ساعتی را که بکندی میگذشت پشت سرم می‌شردم تاهاوارش میشد. تازه براه افتاده بود، چقدر مراقبش بودم که مبادا در حوش بیفتد یا از جای بلندی پرت شود! علی بزرگتر شد حالا دیگر بابچه های همسایه بازی میکنند، با همسالهای خود بغضایان می‌رود اینجا و آنجا بر سه میزند. خطر مثل سایه در پی او بود، یک ساعت که نمیدیدمش دلم بی‌تپید حواسم پریشان میشد! مبادا در شکه او رازپر بگیرد، مبادا بچه های شیطان سرش را بشکنند مبادا کم شود... چه مرحله های هولناکی را طی کردم! چه دوره های سختی را گذاردم! راستی چنانچه بلم آمده! گذشته هر چه بود گذشته خدا را شکر حالا علی از آب و گل درآمده و خطرش گذشته، حالا دیگر درختم گل کرده و نهال بار آورده است! حالا دیگر روز بروز مثل شاخه شمشاد قد می‌کشد و مانند سرو در باریش بیشتر میشود. حالا...

غالب مادران وقتی فرزندشان بعد رشد رسید و قامت رعنائش چون شاخه ارغوان و سرو جوان در برابر چشمان جلوه گر شد. یکمرتبه بیخوابیهای شب بیداریها، رنجها و زحمتهائی را که در راه پرورش او کشیده اند از نظر گذرانده و از دیدن اندام دلا رای او گل از گلشن میشکند و آرزوهای خفته در دلشان بیدار میشود! آنکه تلخیهای روزگار گذشته را فراموش کرده، بدیدار او شادمانی آغاز میکنند و نظیر اینستغفار را بر زبان می‌آورند! چه شبیهائی را صبح کردم!...

بیچاره مادر که می‌داند که تازه حالا ابتدای خطر و آغاز گرفتاری نور دیده اوست! کجا خبر دارد که جوان برومندش در راه خود بدره هولناکی رسیده که گذشتن از آن خطر هادارد! مرحله جوانی منزله از مصیبتی است که کاروان آدمی ناچار از آن باید بگذرد تا بمنزل مقصود برسد.

در آغاز جوانی احساسات آدمی طغیان نموده و روحش به بیجان می‌آید، آن کسیت که در رهگذر این سیل خروشان راحل اقامت افکنده و همیشه بیاد فنا رفته باشد! آدمی که آفتاب گرم جوانی بر من جوانان تا بدید یکمرتبه همه بهوش و غشوش می‌افتد و همه چیز را فراموش میکنند. میخواهند بروبال در آورده تمام موانع را زیر پا گذارند و در بالای آسمانها پرواز کنند، بد بختانه همینکه باشان بستگی خود یکمرتبه از پا درآمده گریه و زاری آغاز میکنند و نسبت به مردم، بدینا، بهمه چیز بدین میشوند. در این موقع اولین وظیفه پدر و مادر اینست که با تمام قوا نگذارند باس و نومیدی در روح نوجوانان نفوذ کنند و اثرات شوم خود را در روان آنها باقی بگذارند! اگر نوبتید بر آنها چیره‌شد و خانه دلشان را زیر و رو نکرد بتدریج از تجربه روزگار بهره‌بردار میشوند و رفته رفته ملات از جانان بر میخیزد و امید بجای نومیدی می‌شینه. از اینرو بر عهده اولیاء دانا و کار آزموده است که جوشش جوانان را به آب نصیحت فرو نشاندند و راه کامیابی را به آنان بنمایانند و سعی کنند که قوای آنها در راه کسب هنر صرف شود و خاطرشان بطرف فضیلت و ادب متوجه گردد تا در این معر که تاریخ و برهه‌های بی‌پرویز شوند و سرفراز بیرون آید.

کتابهای نو

آئین راحتی

مکتب علمی

ارزش هر دفتر و کتابی با مطالب و محتویات آن ارتباط دارد. چه بسا کتاب ضخیمی که فصول مشروح آن باصفه‌ای از کتاب برمنز برای تروند کرد.

کتابی که مطالب کتب دیگر را با تعبیرات دیگری بازگوید و یا مطالب عادی و سطح زندگی را نقاشی کند چه ارزشی دارد؟

ببقیده نظای:

آن خشت بود که پر توان زد غواس بزدی قریب یک هزار شعر سروده و با اینهمه از ترانه های او جز مصرعای در تکرارها نتوان یافت؟

کتاب معرف شخصیت روحی و آئینه پندار و اندیشه نویسنده است - یک کتاب گرانبها باید که نویسنده را بلند میسازد و یک اثر سطحی آبروی علمی و ادبی نگارنده را بر باد میدهد.

جوانی که بی مطالعه کتابی مینویسد پس از گذشت سالها از انتشار اثر خود متاثر می‌گردد و بخود میگوید کاش در انتشار کتاب خود عجله و شتابی نمی‌کردم.

نویسنده فرزندش را در دستانش می‌گیرد و او میدانست آینه‌کان آثار او را فرو خواند و بخود خوانند گفت: کاش فلانی آن آثار را نینکاشت و چه نیکو بود که از انتشار چنین اثری خودداری میکرد.

آئین راستی که بخانه آقای محمد باقر حجازی نگارش یافته از کتابهای گرانبهای است که نتیجه مطالعات عمیق و تفکرات مستقیم نویسنده است و مضامین آنرا با مضامین آثار دیگری که برامون همین موضوع نگاشته شده مشابهتی نمیشد.

نویسنده محترم در مبحث خطای معاصرین و لزوم توجه آنها بیده واحدی چنین مینویسد: مکشفتن چون جنبه معنوی و اخلاق را مراعات نمیکردند و در پرورش قوای معنوی و استوار ساختن مبانی ایمانی نیکو نشدند - ارکان عقیده و ایمان متزلزل گردید - آقای حجازی به این پرسشها (ما چه هستیم - چگونه بودیم - از کجا آمده ایم و کجا رهسپار می‌رویم) موجودات و مبدء چیست؟) با نیکوترین وجهی پاسخ داده است.

در نگوشت خود پرستی چنین میگوید: «خودخواهی حالتی است که هیچ تصرف نداشته باشد - و انسان تابع اغفالات خود گردد - تصرف عقل را که سلب می‌کنیم خود خواهی بوجود می‌آید.

چه خود خواه محتاج نیست تیز بد و خوب را بدد - کمال اختیار و تصرفی است که انسان از نفس خود تجاوز کرده منشاء فعلی شود (یعنی وسیله خیر دیگری) عقیده نگارنده آئین راستی در موضوع نوع دوستی چنین است - دوستی نوع نشانه دوستی خداست و لازمه خدا پرستی دوستی نوع است انسان هر چه را خواست طلب کرد مطالب بقاء اوست و برای بقاء محبوب خود و حفظ او میکوشد - لذا هر کس بشر را دوست دارد - بقاء بشر و حفظش را میکند و در طریق نوع دوستی نوع پرستی فداکاری میکند.

نویسنده در پایان مکتب علمی و نتیجه‌ای که از آن بدست میاید چنین مینویسد:

مکتب علمی (ع) روش علمی است که روح را نیرومند و توانا سازد تا انسان بر غلبه بشکلات زندگی قادر بوده بتواند بخیر خود و معیت نوع قیام کند - اقتباس آثار علمی (ع) انسان را از حتمت مطالعه و دقت در مبانی زیادی راحتی داده و هر طالب کمالی میتواند از چشمه افکار او سیراب شود و بقدر حوصله خود بهره‌ای یابد - و مرکب امید را در وادی پهنای سعادت و کمال جولان دهد.

ما موفقیت نویسنده و ناشر را خواهانیم بسکون و آرامش دعوت نمایم. بهتر اینست آنها را وادار کنند که روزی چند ساعت باب‌تنی و ورزشهای بدنی بپردازند و از طرف دیگر ضرر و زیان عادات بد را برایشان شمرده از مفاسدش آگاهشان نمایند و امیدوار باشند که بر روزمان با فرو نشستن جوش جوانی تماشا اصلاح خواهد شد.

دوره جوانی دوره غریبی است. در این دوره هزار گونه احساسات گوناگون پیرامون جوانان دور زده و بصورتهای مختلف در حرکات آنها خود نمائی میکند. این جوانیکه یکساعت پیش از این بیلند کردن وزنه های تنگین

بقیه در صفحه پنجم

خلاصه سخنرانی آقای تربتی

در انجمن ورزش و هواپیمائی دانشرانی

هم آهنگی روح و بدن

ملتی که در تقویت نیروی جسمانی و روحانی خود بکوشد زندگی را بافتار و سر بلندی میگذراند - پیوستگی و ارتباط جسم و جان از مبانی روان شناسی است - نیروی جسمی بسی معاضدت نیروی روحی و راهنمای خودارزش و زوری ندارد. ورزشهای جسمانی بدن را نیرومند میسازد - ماهیچه‌ها را محکم و توانا مینماید ولی نیروی غرد این ماهیچه‌ها را در راه غایت مقدس و کمال مطلوبی عالی بکار می‌اندازد.

آنکه از پرورش نیروی جسمانی هدف و مقصودی ندارد - از زندگی خود جز حظوظ بهیمی و حیوانی چه میفهمد؟

علم یک مسئله ریاضی - و فهم یکی از مشکلات علمی بقدری شیرین و روح افزاست که هیچ لذتی با آن برابرتر قوایند کرد.

آن جوان - از نیروی مادی دیگری متأثر میگردد - اندوه و ناثرات او بیجاست چه لذت معنوی وی را با حظوظ مادی دیگران مقایسه نتوان کرد.

آنکه از نیروی جسمانی و روحانی هم آهنگی که بدو نیروی جسمانی و روحانی هم در کالبدی سالم جای گرفت - زندگی بروی ما میخندد.

کجا در ابدان فرسودگان اراده‌ای یابد از وفقری رزین و استوار می‌یابد؟ پدران ما در تقویت و پرورش هردو نیرو میکوشیدند - کتاب و اندیشه بهترین نمونه‌ای از توجه و علاقه‌مندی پدران ما بهم آهنگی جسم و روح است.

در پشت هئوما ایرانی با کزاد از خداوند خود میخواهد که بدو نیروی جسمانی عطا فرماید - منظور آنها از تربیت بدنی چه بود؟ آنکه خود را برای تحمل مشقات و دشواریها مهیا سازند.

لیگان ما نا توانی و بیماری را از آثار اهریمن میدانستند - و با جهالت و نادانی که از مظاهر اهریمن بود جنگ و ستیزه میکردند اردشیر دانشمندان را تقوی میکند و چنین میگوید:

دیران که پیوند جان و منفد همه پادشاهان نهان منفد آئینوانی لیاقت خدمتگذاری را می‌یافت که سرآمدان خود باشد.

کسی را که کمتر بدنی خط و دیر نرفتی بدرگاه شاه اردشیر سوی کارداران شدندی بکار قلنزن بهمانندی بر شهریار

خرد سالان را با نعرین های ورزشی آهنا می‌ساختند - در شاهنامه نیز اشاراتی هست که تاهر کسی را که دارد بر

لنانه که بالا کندی هنر سواری بیاموزد و رسم جنگ

بگزد و کمان و به تیر خدنگ چو کودک کوشش بر نیرومندی

بهر جستی در بر آهو شدی ز کشور بدرگاه شاه آمدی بدان نامور بارگاه آمدی

نوشتی غرض نام و دیوان او بیاراستی کاخ و ایوان او کز تن میگویند - جوانها در ورزش های بدنی باید بگرفتار میگردند.

بیام کورش را پس از فتح بابل بر سر بازان نشینده آید؟ اگر سستی را پیشه سازیم - اینهمه مواهب را از دست خواهیم داد - باید بشیر و منندی خود بیفزائیم تا سرافکننده و بی‌نوا نگردیم - باید بهتر از آن که بوده ایم بشویم.

شما جوانانیه که مظهر نور معرفت هستید شما مردان رشیدی که با ورزشهای قهرمانی خود را برای فداکاری و لشکریانی کشور عزیز آماده ساخته‌اید - هنگامی ارزش و وزنی دارید که امانت پدران خویش را آبادانتر به آیندگان بازسپارید

دلی که فروغ ایمان و تقوی در زوایایش ندرخشد - شایسته آنست که در زیر پرده‌های خاله نهان گردد.

نسوزد هر دلی از آتش دوست بزرگ گل کن آندل را که نیکوست این کشور زیبارا بشما سپرده‌اند - این امانت والا را گرانی دارید.

در این دوره نورانی که وسایل پرورش نیروی جسمانی شعار فراهم ساخته اند و برای

این خصائص نژادی ورزش و قیمت همای را افزون میسازد.

اقتباس از یک مجله علمی

اختراع در موقع جنگ

تجربه ثابت کرده است که هر وقت بای جنگ بمیان آمد بی اختیار اختراعات نوین نیز صورت خواهد گرفت ولی نباید انتظار داشت که این اختراعات در وضع جنگ تغییر یابد.

در جنگی که سال ۱۸۶۲ میان امریکای شمالی و امریکای جنوبی صورت گرفت کانلنیک تفنگ معروف خود را اختراع کرد و سپاهیان امریکای شمالی با آن مجهز شدند با وجود این جنگ چهار سال طول کشید و عاقبت هم که امریکای شمالی فاتح شد علت بزرگش افزایش نیرو و زیادی مواد و دقت در نقشه‌های جنگی آن بود درست است که تفنگهای مخترع نامبرده در آن جنگ خیلی ببرد سپاه فاتح خورد ولی اگر عوامل دیگر نبود شاید نمیتوانستند باین زودی بخت و نیروی نائل شوند.

در جنگ گذشته نیز استعمال گازهای مختلف جنگی و تانکها و هواپیماها و نارنجکهای دستی خیلی مؤثر بود ولی نباید تصور کرد که این اختراعات در موقع جنگ پیدا شد و هیچ کسی پیش از آن در اطرافش فکر نکرده بود.

بعضی تصور میکنند که موقع جنگ از لحاظ تاریخی که اختراع در کیفیت جنگ دارد بیشتر اختراعات جنگی صورت میگردد ولی باید در نظر داشت که تنها اختراع کردن آلت تازه‌ای کافی نیست بلکه باید آنرا آزمایش نموده اشکالاتش را رفع کرد. همین جهت میتوان گفت که بهترین فرصتها برای اختراع آلات جنگ موقع صلح است زیرا در این موقع که مخترعین فرصت کافی برای آزمایش اختراعات خود و سنجیدن آن دارند، چون در موقع جنگ فرصت کافی برای آزمایش و رسیدگی نیست.

موضوعی که قابل یاد آوری است این است که هر اختراعی مستلزم چندین اختراع دیگر است تا بتوان از آن استفاده نمود، فرش میکنم مخترعین ماده ای اختراع کردند که قوه انفجارش صد مرتبه بیشتر از ماده معروف ن. ت. بوده باشد، اول اشکالی که پیش میامد این است که این ماده را نمیتوان در توپهای معمولی اکنون بکار برد زیرا لوله توپ تاب فشار کوله ای را که با سرعت بیشتری از دهانه آن خارج شود ندارد و ناچار بایستی لوله توپ را از ماده محکمتری ساخت که تحمل آنرا داشته باشد.

بنا بر این بایستی ماده ای را اختراع کرد که تحمل فشار سرعت بیشتری را داشته باشد و پس از آزمایش آن لوله های توپهای کنونی را از آن ماده ساخت و البته این کار یک روز و دو روز نیست و مدتها دقت و پول و فرصت کافی لازم دارد.

ممکن است که در هیئت جنگی بعضی کشورهای دنیا اسراری داشته باشند ولی مخترعات بزرگ همانطوریکه گفته شد مولود یکروز و دو روز نیست و مبادی علمی آن هم ممکن است در جاهای دیگر بوسیله دانشمندان دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد.

مقصود اینست که حقایق امر با تصوراتی که مردم دارند از زمین تا آسمان اختلاف دارد فرضا ممکن است در ستاد ارتش یکی از دول

بقیه در صفحه پنجم

تربیت علمی شما اینهمه بنگاه فرهنگی بیاگرده اند فرصت را غنیمت شمارید.

فکر کنید چرا فردوسی را از دل و جان دوست میداریم؟ برای آنکه سخنان وی شیوا و بلیغ است - چنین قصوری دور از حاضی نیست؟

علاقه‌مندی ما برای آنست که وی قریحه خود را در راه تهییج احساسات و ایجاد غرور ملی بکار برده است - در هر داستانی که نام ایران را بر زبان می‌آورد - آهنگ او دگرگون میگردد و با احساسات شورانگیزی میگوید

دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود همه جای جنگی سواران بدی نشستگه شهریاران بدی

بایگاه آن نویسنده‌های والای که شور و مهن رستی از ترانه های منظوم و منثور او فرو ریزد.

فکر کرده آید چرا از شما مظاهر فضیلت و کمال اینهمه تقدیر میکنند؟ برای آنکه اینخانه موروثی را آبادان سازید - تاریخ نام مهن برستان را در اوراق خود ثبت میکند.

آنچه همواره زنده‌ای جاویدان می‌سازد ایمان بخدا - علاقه بکشور و محبت بشاهنشاه است.

این خصائص نژادی ورزش و قیمت همای را افزون میسازد.

بقیه در صفحه هفتم

در تالار دبیرستان دارالفنون

پنجمین جشن سالیانه کودکستان شکوفه

ساعت پنج و نیم بعد از ظهر دیروز پنجمین جشن سالیانه کودکستان شکوفه با حضور آقای اسفند یاری رئیس مجلس شورای ملی و آقای وزیر امور خارجه و آقای وزیر فرهنگ و عده از محترمین و اولیای خود کودکان با خانم هایشان در تالار دبیرستان دارالفنون طبق برنامه انجام گردید.

نخست سرود شاهنشاهی توسط دسته ای از کودکان خوانده شد پس از آن خانم مدیر کودکستان شکوفه در اطار افکارهای کودکستان شکوفه‌های بیان کردند سپس یکی از کودکان با بیان شعرهای و مضمون مختار غیر مقدم گفته و اشارتی را که به بین منظور ساخته شده بود با آنکه دلپذیر و در عین حال رسائی خواند.

در این هنگام عده زیادی از کودکان بالباس های رنگین خود به صحنه آمده و شروع به ورزش کردند و در ضمن چند نفر از آنها حلقه کلی تشکیل داده و سبازیهائی شیرین و جالب خود توجه همگان را جلب نمودند پس از اتمام این قسمت از برنامه منظره گل و زنبور بوسیله کودکان کلاس اول و دوم آغاز شد این قسمت بسیار جالب توجه بود و مورد تحسین حضار واقع گردید.

سپس نمایش دختر ماهر و در چهار برده شروع شد کودکان در انجام وظایف خود خیلی مهارت بخبر داده و در میان پرده‌های نمایش نیز به ترتیب قصه‌بچه کتیف - قصه و آواز - قصه کرک و لک و قصه زن و شوهر تنبل بوسیله کودکان شیرین زبان و زیبائی گفته شد و چهار پرده نمایش با طربسار خوشی انجام گردید.

در پایان جناب آقای دکتر نصر مدیر کل وزارت فرهنگ گواهینامه و جوایز کودکان را توزیع کرد و مجلس بخا شد و سرود همگان ساعت ۸ بعد از ظهر پایان رسید.

شاگردانی که با خد گواهینامه نائل شده اند چنین میباشد:

آقایان غلامرضا اعتماد مقدم - سیروس ادیب - سیامک اسفند یاری - دوشیزه لیانی باغدا ساریان - دوشیزه مریم پور رضا - آقای فرخ بیرایش - دوشیزه پروین پور ایران - دوشیزه مریم حامدی - آقای پروین حامد حسینی - آقای سعید حکیم - دوشیزه مهر آذر دادخواه - دوشیزه سیمین رحایی - آقای ایرج زندی - آقای شهباز شهرپر - آقای کیان شافع - آقای شورش کزلیور آقای کیلوش کوچه زاده - آقای هانی کابیر دوشیزه پروین گروسیان - دوشیزه ملیحه بن باشین - دوشیزه نیره نیومند - دو شیزه ویدانانف - آقای بیژن هانی - آقای هوشنگ وحدت

در شهرستانها

در شورای شهرستان

خرم آباد ۳۱ - دو مین جلسه شورای شهرستان شب شانزدهم اردیبهشت با حضور رؤساء ادارها تحت ریاست آقای فرماندار تشکیل صورت جلسه قبل قرائت و تصویب و خلاصه مذاکرات قرارزیر بود:

۱ - آقای معاون فرمانداری گزارش عملیات عمرانی بخشهای تازه در سال ۱۳۱۸ را قرائت نمودند (شرح عملیات قبل گزارش گردید)

۲ - در اطار اف اوضاع شهر داری خرم آباد مذاکره و عموماً از زحمات آقای شهردار نسبت بکارهای شهر داری بخصوص وضع خواربار اظهار رضایت نمودند.

۳ - راجع بامور ساختمانی هم طبق اظهار ریاست شورا ۱۴ نفر از وجوه اهالی حاضر شده اند که هر یک عمارتی طبق نقشه و اصول بهداشت ساخته و بمنوان نمونه در پیشرفت زیبائی شهر پیشقدم گردند و نیز راجع بمصالح ساختمان مورد احتیاج ادارها و اهالی مذاکره و مقرر شد صورت جامعی در اینخصوص تهیه شود که طبق آن یک نسبت مصالح مورد احتیاج بین آنان بخش گردد.

۴ - آقای رئیس راه متقبل شدند که برای خانه‌های رعیتی شصت تنظم و در هر دهستان یک باغخانه تحت نظر مستقیم ایشان بعنوان نمونه ساخته شود که بقیه طبق آن عمل کنند.

۵ - نسبت بوضع تلفن شهری هم مذاکره لازم بعمل آمد مقرر شد که در اداره فرمانداری بامدیر تلفن خانه مذاکره و سر و صورتی باینکار داده شود.

۶ - نسبت بانتخاب نائب رئیس و منشی شورا مذاکره و آقای رئیس دارائی با اکثریت رای بنیابت ریاست و آقایان رئیس فرهنگ و رئیس آمار بشی گری شورا انتخاب گردیدند.

بقیه در صفحه هفتم

پروژه

پروژه کودکان

بهر پدر و مادری واجب است که که داد، خود را درستی گفتار - گردارد - بدار میاموزد.

راستی مرگ به از زندگی و دروغ است .

« ارسطو »

فلاخه ادب و حلیه اخلاق از زمانهای گذشته آموخته را یاد در تشخیص نیکو کاری (فضایل) و بدکاریها (رذائل) دارند.

دیر زمانی است که صفات نیکو و پسندیده شناخته شده و به سبب از طرف دانشندان مردم توصیه می شود

همگان را عقیقه برایست که راستی پیدا نیکوکاری و دروغ و راستی سرچشمه بدکاری است قرش از راستی نه قطع راست گفتن دست بلکه در حقیقت راستی آنست که شامل پندار کردار - رفتار باشد .

مسلم است کسی که راستی را پیشه خود کرد . ظلم نمیکند . بقتل نفس مبادرت نمیکند دزدی نمیکند . ببال و ناموس دیگران دست درازی نمیکند . درستکار . باتقوی . پاکدامن نوع پرور . و بالاخره جامع صفات خوب خواهد بود

مادری که میخواهد کودک خود را پرورش کند و راه خطا و صواب را باو نشان دهد لازم است که پیش از همه چیز راستی را با او بیاموزد بعضی مادر ها شکایت میکنند که بندگان اینهمه صفات خوب به کودک کار مشکلی است معلوم نیست بچه زبانی باید به چه حال کرد فلان کار خوب است بکن فلان بد است از آن بیهریز !

پایساج این مادران کافی است که بگوئیم بیپوده بچود زحمت ندهید . لازم نیست برای بچه در اطراف راستی شرح بوسیط داده و امثال و حکایت بیاموزید . همینقدر که خودتان راستگو - راستکار و راست پندار شدید . کفایت می کند که کودک هم از شما تقلید نماید . چوب و کتک و داد و قتل هیچ لزومی در تربیت ندارد . هیچوقت کاری که انجام نخواهید داد یا چیزی که وجود ندارد به کودک نگویید می کنیم یا هست زیرا همینقدر که او ملتفت خطئه شما شد کم کم بدروغ آموخته می شود

با کودکان صریح اللهجه حرف بزنید . و عده های که عمل نمی کنند با آنها ندهید . خیال نکنید او را گول زده و برای چند دقیقه ساکتش نموده اید ، اینها برای آئینه او زبان دارد . برای آرام کردن طفل بترساندنش از موجودات موهوم - هیولان - و غیره اعدا . با اعتقاد غرافات پیدا می کند . و ترسو و بزدل می شود .

بعضی پدران و مادران دیده شده اند که با بچه های خود شوخی می کنند . این شوخیها اگر با از دائره راستی و درستی بیرون نهد ضرر خواهد داشت چه از روی دارد اطفال را بچنین چیزها عادت دهد

اگر کودک چیزی می خواهد نسبت باو باخوشتر حرف بزنید . بگذارید خواهش خودش را اظهار دارد در صورتیکه اجابت آن ممکن است البته کوتاهی نکنید و در غیر این صورت با زبانی که رضایت خاطر او را جلب نکند او را قانع ننمایید که صرف نظر کند .

حق بزرگی که کودک بگردن پدر و مادر دارد پرورش اوست . ایندو نفر بهترین کسانی هستند که می توانند پایه و اساس زندگی طفل را بنمایانند . بهتر اینست که پیش از وقت بفکر آئینه بچه های خود میباشند .

خانه داری

شست و شوی

بروردی دوزخیا

با آنکه شستن بارچه های بروردی دوخته شده کار خیلی مهمی نیست مطلقا مراعات احتیاط هم در این کار شرط است و مهمتر از همه اینکه هیچوقت نباید صابون های معمولی (صابون سود) و یا گرد و شاداب می شوند فوق العاده برای شست و شوی این نوع بارچه ها بکار برده می شود برای اینکه در شست و شوی بروردی ها دچار اشکال نشوید دستور زیر را در نظر بگیرید مقداری از صابون درجه اول صابون های عطری را قطعه قطعه نموده و در آب جوش حل نمایید . پس از حل شدن صابون آب سرد به محلول اضافه کنید تا آلوده را درجه گرمای آب کم شده و تا بیا محلول رقیق گردد . آوقت بارچه را در کف صابون این محلول فرو برده و آنرا بشدت به کف دستها بریزید ولی ابتدا با صابونی آبراهیم نماید بعد بارچه را در آب گرم بشوید و دست آخر در آب سردی که آب گرم تک طعام را یک قاشق در هالتر (بان افزودن) به درجه شست و شو دهید . وقتی که شست و شو تمام شد بدون آنکه بارچه را بمالید کنید بین دودست فشار دهید تا آب زیادی از خارج گردد و سعی کنید هرچه زودتر در سایه آنرا خشک بنمایید . پس از خشک شدن در صورت لزوم بارچه را پشت و رو اطو کنید ضمنا در این وقت مواظب باشید که جاهای بروردی دوزی شده را روی بارچه نرم کلفتی قرار دهید و بلا و به این اطو بارچه ، بارچه دیگری هم بگذارید تا اطو آنرا ننوازند .

برای بانوان

بقلم: « سیلوی »

عقیده هنر پیشگان

در خصوص آرایش زنان

« کاری کویر » هنر پیشه نای هالیوود بهیچوجه عقیده به آرایش بزرگ ندارد ، حتی میکوید برای دفع نوااض جزئی و یا برای زیبا ساختن خود نیز نباید بگردها و لوازم آرایش متوسل شده ، رنگ شامات و پریده است و با اندک روزی ممکن است آنرا مبدل بشیرش طبیعی سازید ؛ بسیار خوب ، در این صورت کاری کویر تا اندازه ای با شما موافقت میکند بشرط آنکه این عمل شما بقسی انجام گیرد که کوچکترین اثری از تصنع در صورتتان باقی نمانده و بیننده باسانی تواند درک کند که شما بزرگ کرده اید .

این هنر پیشه زیر دست و معروف امریکائی عقیده دارد زیبایی طبیعی بهترین انواع زیبایی هاست ، حتی وی میکوید : « من یکون زشت توالث نکرده را بر یک زن زیبایی که کردهای زیبایی زیادی استعمال کرده باشد ، ترجیح می دهم »

خلاصه آنکه میتوان گفت کاری کویر با آن اندازه با آرایش موافق است که ظاهر نکرد و موجب اشتزاز خاطر بیننده نشود . علاوه بر این ، کاری از عطر نیز زیاد متفر است .

گمان نبرید این از جواهر پیشه نای ساختگی و ظاهر سازست ، بلکه باید دانست حقیقتا این مرد از عطر میکوریز ، چه اینکه بوی آن به شماش رسد ، بطلعه میآیند . این مطلب را تمام کارکنان استودیوها میداند و بدین جهت هنگامی که کاری می خواهد در صحنه ای بازی کند که در آن عطر با او بیاید به عطر باید مواظب باشد سعی میکنند پادر آن شیشه ها عطر گل نریزد و یا نوعی از آبهای زیبایی باشد که بمقدار کم معطر باشد .

« جونی ویسولر » جوان ورزشکار و ایفا کننده رل « تارزان » در فیلمهای تازه ای که در خصوص این قهرمان تهیه کرده اند ، در عدم استعمال لوازم آرایش حتی از کاری کویر نیز قسری فراتر گذاشته است ، چه او میکوید :

من از هر نوع آرایش و توالثی که چشم ها را سیاه ساخته و سرخی فوق العاده ای بکونه ها و لبها بدیده متفرم و این حقیقت در زندگی او نیز قابل ملاحظه می باشد ، و بعدا اگر درست گفتن کیم میکی از هلج جلدانی او از زن نخستین خود بنام « جی آست » که یکی از باشکوه های شبانه هالیو و در اداره می کند وزن دومش « لوب و لور » ستاره نامی و زیبایی مکزیکه این بوده است که آن دوزن و زیبای و توالث افراط ، میکوریز ؛ در صورتیکه زن سومش « بریل اسپکت » دختر جوانی است از اهالی « سان فرانسیسکو » که بیشتر اوقات بیکاری خود را ورزش پرداخته و در زندگی نزدیک تارزان « نای باقیانای طبیعی که بطور جزئی با بقیی کر مهبا آنرا چرب می کند ، پسر میرید .

« ابرایتیلور » در خصوص آرایش اندکی سختگیرش کمتر است و نه تنها آنرا تحمل میکند ، بلکه باید گفت تاحدی از دوستداران آن نیز میباشد ؛ ولی البته باز بشرط آنکه افراط بکار نرفته و ساختگی و تصنی جلوه گر نشود . چیزی که سخت مورد تفر او میباشد رفتار بعضی از زنان کوته فکراست که برای تغییر رنگ بدن خود زیر اشعه آفتاب سوزان در کنار دریا روی ریکیهای گرم میخوابند . وی این نوع زیبایی را بهیچوجه نمی پسندد .

لیکن او نمیتواند این نکته را انکار کند که از چهره هایی که در اثر استعمال بعضی شیر ها و گردهای زیبایی مانند برکهای کلنترین و یا گل آویز تازه و شاداب میشوند فوق العاده خوشش می آید .

برای این برنن سلیقه « ابرایتیلور » در زمینه آرایش و توالث بهترین راه آنست که همسر عزیزش « باربارا استاولیک » را مورد ملاحظه قرار دهد .

« جیمس کانی » طور دیگری در این خصوص اظهار عقیده میکند :

— بعضی صورتهای با آرایش و بزرگ جلوه خاصی پیدا میکنند و حال آنکه برخی دیگر در نتیجه این عمل ممکن است حتی جزئی زیبایی طبیعی خویش را نیز از دست بدهند .

— چیزی که من میتوانم در این خصوص اظهار کنم اینست که از بلکهای سبز ، آبی و رنگهای دیگری که در اثر توالث مفرط حاصل میشود فوق العاده متفرم زیرا وقتی در اینصفت بیان بکنرند مثلا آنست که بچشاشان « کره سیاه » مالیده باشند . همچنین از ناخنهای زیاد آرایش یافته خوشش می آید . خلاصه هر چه زنی از شکل طبیعی خود فراتر برود سازد ، زیادتر مورد تفرم نمی باشد . زنده باد زیبایی طبیعی .

داستان

زناشوئی !

دو روز دیگر بیشتر نمانده بود . اکنون همه کارها رو برآه شده پشت میز نشسته مشغول نوشتن دعوت نامه بود . همینکه از نوشتن فارغ شد بیجاری آتش زد و سرش را روی دست گذاشته در اندیشه فرو رفت . روزی را بیاد آورد که مادرش همین فردوسی که او امروز دارد داشت و برای او تهیه وسائل عروسی میدید . روزهای نخستین زفافش روزهای عیش و کامرانی و آن هنگام که تازه گل امیدش شگفته بود بیاد میآورد . روزهای را که با نامزدش بگردش رفته و وقتی که ازدواج کردند و آنوقت که یگانه فروزشش متولد شده و آنندایق خوش را که با خود و دختر کوچکش گذرانده بود از نظر میگرداند . امروز باید کار یک مادر را انجام دهد مادری که شوهرش زندگی را بدرود عمر و میبایست از چنگر گوشه اش که تنها میوه برق از فکر خانم « مرو » میگذاشت . آن اوقات عزیز جوانی و بیوزره موافقه با همسر عزیزش گذرانده بود مرورا بسیار متاثر کرد و چند قطره اشک از گوشه چشمش حلقه زده میخواست مرد و ریزد که جمعی از بالوان و دوستان صمیمی او که برای تهیه مقدمات عروسی میآمدند از در وارد شدند : رشته خیالات مرد را بگشسته و مجبور شد با بقیی خفیف پرده بروی تأثرات نهانی خود بکشد . هر کسی چیزی میگفت . بیشتر صحبت ارد ماه و خوشبختی دوزخیه « گوالدین پرد

در اطاق دیگر دوشیزه زیبایی کنار میز تحریر نشسته و چشمان سیاهش را بر روی نامه ای که در جلوش گشوده بود دوشه ، موهای فنک طلاایش بزوی شانه و صورتش افشان شده بود . کمی آنسو تر عکس دخترکی جلب توجه میکرد که بیش از سی سال نداشت در همه چیز با گوالدین شبیه بود مگر موهای سیاهش که منظره فریبنده ای باو داده بود گوالدین دوروز دیگر میبایست عروسی کند اما بنظر میرسد با این عمل موافق نیست و افکار دیگری در سرش دور میزند غلغل نگاهش را از روی خطوط نامه پیرداشته باطراق اطاق انداخت چشمش با آن عکس افتاد ، چه چیزها که از دیدن آن ، بخاطرش گذشت ! ده سال پیش در آموزشگاه بود و درس میخواند . چه روزگار خوشی و خوبی ! صاحبان عکس دوست او بود . اکنون آن زن زیبا و ارده محیط سیاست شده و مقام مهمی را در بارلمان احراز کرده است . « آورا » هم « میویشل » می نامیدند باز ناگهانی تفرافاد بود و اعتقاد داشت « زینت » که میتواند بدون کمک مردمی خودش را اداره کند راستی ثبات و پشت کار و همت باشدی هم داشت چند سال گذشت که نماینده پارلمان شد و کتابهای زیادی نیز راجع باوضاع اجتماعی نوشته بود . از مردها بیوزره زندگی زفافش و لذت داشت . نامش بر سر زبانها افتاده و مشهور شده بود . نامه که افکار گوالدین را مشوب کرده و بخود متوجه ساخته بود گوالدین پیش نوشت و گوالدین را دعوت کرده بود عصر فردایش او برود زیرا پس از چند سال از مسافرت برعکست و بدیدارش اشتیاق داشت .

در خصوص ناخن « فرانثوت تون » زیاد تر از هر هنر پیشه دیگری سختگیر است . او یکی از مخالفین جدی بلند کردن ناخن بوده و میکوید : این چنگالهای دراز و خون آلود و دستان ظریف زنان را از زیبایی خارج میسازد او همین در این خصوص چنین اظهار میدارد — این موجوداتی که برای اوقات شکر دادن کا هواره بوجود آمده اند و باید مظهر زیبایی و لطف باشند ، چگونه راضی میشوند تا حتی نوک ناخنهایشان را نیز مسلح سازند البته بیشتر آنزنانی مورد نظر او قرار میگیرند که ناخنهایشان بطور طبیعی سرخ بوده و از شست باکی و تیزی برن بزند .

خوشبختانه دیگر آزمان که مد بود ابروها را تراشیده و با ماتیک ابرو بکشند ، سبزی شده است . اگر کشا ابروان خود را با مسواک مخصوص ابرو که آغشته به برایتین مایع باروغن بادام شیرین باشد ، مالش دهید یقین داشته باشید بیشتر مورد توجه « لسی هوارد » قرار خواهید گرفت .

آیا برای جلب توجه « ژاکاواکی » لبهای خود را سرخ می کنید ؛ برای چه نکنید ؛ ولی یک شرط و آن اینست که از حد اعتدال خارج نشوید ، بطوریکه وقتی نتجان چای یا قهوه ای می نوشید ؛ آن زمانیکه روی لبه نتجان باقی نماند .. بجای دیگر .

بالاخره « دیک باول » شوهر خوشبخت « جون بلوندل » اظهار میدارد : — من با هر نوع آرایشی موافقم ، بشرط آنکه این عمل برای افزایش زیبایی طبیعی بکار رود و بشخصیت کسی که بدین امر اقدام میکند لطمه ای وارد نمسازد . از « مدو وور »

از کامپنیون

گوالدین سرش را روی دست گذاشت و در اندیشه فرو رفت . افکار گرانی جلوش سان میدادند در آلمان کاهی لذت زندگی افرادی و آزادی مطلق و از سوی دیگر چهره جذاب « لاری » نامزدش و شیرینی زبا شوئی او را بطرف خود میکشاند .

آخر تصمیم گرفت از گوین میل سمرش گرفته و مانند او آزاد بماند . چرا ؟ مگر نمی توانست با شوهر خود مقانی را که آرزو داشت در جهان بیابد بدست بیاورد ؟

بنابر این قصد کرد خانه و نامزد و مادر خود را ترک کند و زندگی گوین میل را پیش گیرد . بهین منظور دونهام یکی به « مرو » مادرش و دیگری به « لاری » نامزدش نوشت و آنها را از تصمیم خود دادر با اینکه میخواهد آزاد و مفرد بماند آگاه ساخت و روی میز گذاشت .

گوین میل زن سیاستدار و نامداری بود . رفت و آمد مراجعین زیادش او را آنی آسوده نمیکشاد . گوالدین در اطاق انتظار نشست و با تألیه و وضعیت اطاق نظر انداخت . روی میزها و کف اطاق از هر رقم کتاب و مجله و روزنامه ریخته و ائالنه آن درهم و برهم و هیچکدام سر جای خود نبود .

این بی ترتیبی و عدم انتظام را گوالدین دوست نمیداشت در همین هنگام منتظر بود آن چهره زیبای آندرتنک جوان سرزنده ده سال پیش را آنکیافه جذاب و چشمان درشت و قد کشیده جلوه خود خواهد دید .

بشخدمت او را بدرون خواند روی یک صندلی دسته دار زنی چهل و چند ساله با موهای سفید و سیاه ویشانی چین خورده و قد خمیده و چشمان فرو رفته نشسته و همینکه او را دید با رخاست و صدای گرفته تعاری کرد پهلوی خودش نشاند .

کارهای متفرقه و گوناگون و مشغله زیاد افکار درهم و برهم و نهانی و بی مویی گوین میل را باین حال درآورد بود چنان وضعیت او در گوالدین اثر کرد که مقصود اصلی خودش را که مشاوره در باره عروسی با آنها یی بود از یاد برد و بعضی اینکه گوین میل از او پرسید چه میکند بی اختیار گفت : دوروز دیگر عروسی خواهد کرد ! ... و منتظر افکار و عدم تعادل دوستش بود . گوین سر را بلند کرد و گفت :

آری زنها باید خانه خود را اداره کنند !

شب هنگامی که مرو و لاری در اطاق تحریر گوالدین رفته و نامه های اثرات بنشان آنها نوشته بود خوانده و هر دو بفکر فرو رفته و اندوه رنج بی پایان افکار آنها را متخیر کرده بود و از همه جا نا امید شده و تصمیم گوالدین را قطعی میدانستند . در اتاق آهسته باز شد و دستهای لطیف گوالدین بود که بر گردن لاری حمال شده و می گفت : نه عزیزم من ترا دوست میدارم ! یک اشتباه ... قطع ... آری یک خطا نزدیک بود وقوع یابد ... ! بوسه های بی دردی لاری و مرو حرقا و را قطع کرد !

گوناگون

خشک کردن پوست

هیچوقت پوستهایی را که در اثر باران خیس شده خشک نکنید بلکه تیرا آنها را تانک دهید تا آشان بیرون بریزد سپس آنها را رابین کرده و روی قسمتی که مرطوب را گرد اسید بوریک بپاشید . اسید بوریک کم تر مرطوب پوست را جذب کرده تنها کافی است فردای آن روز پوستها را تانک داده و ماهوت پاک کن بزنید

تهیه و ترهیم و ضد عفونی کردن چوب پنبه ها

تأثیر چوب پنبه در مایع درون بطری خیلی زیاد است علاوه بر نوع و جنس چوب پنبه باید مقر میکروب و انگل ها نباشد . از ابتکار لازم است چوب پنبه هائی که برای مایعات خوردنی و فاسد شدنی بکار برده میشود جنس خود داشته و کاملاً عاری از میکروب و انگل بوده و از هر حیث رعایت نظافت آنها شده باشد . باطریق زیر میتوان چوب پنبه ها را بمقدار زیاد (یعنی در حدود هزار عدد) ضد عفونی کنید کما جدائی را با ناندازه ده سانتیتر بلندی آب بریزید و سپس با ناندازه نیم لیتر « فورمل تجاری » بان اضافه نموده و چوب پنبه ها را در یک بیندازید . سپس در کما جدان با محکم به بندید . و آهسته آهسته زیر آن را گرم کنید تا جوش بیاید آنوقت محلول را نیم ساعت جعال جوش باقی گذارید . بعد آتش را از زیر کما جدان کشیده و صبر کنید سرد شود چوب پنبه های که باین ترتیب ضد عفونی شوند مسلماً عاری از هر گونه میکروب و انگل بوده و هیچوقت مایعات را فاسد نمیشوند شراب و سرکه و انگبین را خراب و فاسد نخواهد کرد .

در سینما ههای

بقلم: خبر نگار سینمایی اداره

شیاطین دریائی

روز بعد ویلیام بئرد فرمانده کشتی رفته و درخواست احوال اوشی را بدست خود مینماید . پیشنهاد او فوراً پذیرفته میشود ، لیکن بدو اطلاع میدهند که دست اوشی زخم بر دافته و در بیمارستان بر میرید . مدال فوراً بدیدن ملوان جوان رفته و میبیند اظهار میگوید که بخلاف واقع بوده و دستش صحیح و سالم میباشد . بدین طریق اوشی تحت نظر و ویلیام مشغول کار میشود .

مدال برای آنکه از معاشرت این جوانان بدختر خود جلو گیری کند ، بدو اجازه نمیدهد که از کشتی خارج گشته و بکناره رود ، اما اوشی از تاریکی شب استفاده نموده و خود را بدریا میافکند و با شنا بکناره آمده ، بدیدن دوری نال میگرد . اتفاقاً یکشب که ویلیام نمیتواند برای صرف شام بخانه خود رود ، استوار را روانه آنجا میکند تا بدخترش تنها باشد ؛ اما جوان بیچاره وقتی اوشی را پیش از خود در آنجا می بیند ، سرافکنده بکشتی باز میگرد و همینکه میکابل از بدنه کشتی بالا میاید ، سر راه او را گرفته و علت موافقت ویزا در علق چو میامشود در آن زمانهای که در این زمینه بدو میدهند ، دوستی کامل بین آنها برقرار میگرد بطوریکه با آنکه در واقع رقیب یکدیگر بوده و هر دو دوری را دوست میدارند ولی جرئی کینه ای نسبت بهم ندارند .

روز بعد برای مدت سه هفته کشتی تارو لنگر بر میگرد و بوسیط دریا غنیمت میکند تا آزمایشهای برای از بین بردن کوههای یخ (آیسبرگ) بعمل آورد . ویلیام که ریاست دسته ای را بهعه دارد کار اوشی را بهیچ تمام کارهای سخت و خسته کننده جرو آنهاست وی محمول میدارد ، قسمی که رفتار به کینه ای از مدال در دل میکایل راه می یابد . بهین جهت در موقعی که بوسیله قایقی یکی از کوههای یخی رفته و وعده ای مشغول کار گذاشتن دینامیت هستند ، تراح بین ایندو در مفرقه و در نتیجه پای آنان بقیق قایق خورده و بدریا میافکند و بدین طریق بدون قایق میمانند . در همین موقع دسته ای که مأمور آتش زدن دینامیت هستند ، بدون آنکه از بد بخشی در پیش دارند اطلاع یابند قتیله دینامیت را آتش می زنند و وقتی قایق از کوه یخی دور میشود و استو متعادل دناکاری را بخرج داده و برای خاموش کردن قتیله دینامیت وادان میگرد و و امری چه موفق بانجام این امر میشود ، ولی زخم سختی برداشته متخیر میگردد .

فوتی یکی از هواپیماهای دریائی از طرف فرماندهی کشتی تارو برای کمک باین دسته پیر و از در میاید و استوار بیمارستان حمل میکند و ویلیام پس از آنکه بکشتی باز میگردد تلگرافی بدختر خود بخار به نموده و بدو تسلی میدهد که بدیدن استو بیمارستان برود . اوشی نیز که زخم غصصی برداشته ولی بزودی در میاید ، بیزید ، قتیله ای برای دوری شرح داده و خود را مقصر میخواند ؛ با اینحال بدخترک نسبت بدختر گنبدن لنده و همراه وی بدیدن استو میروند .

در دادگاه نظامی که بمناسبت این واقعه تشکیل یافته اوشی برندان محکوم میگردد و ویلیام نیز از اخراج مدال محروم میشود . بهین جهت فوراً مالون از مولانی استا میدهد و زیرا او چگونه میتوان پس از این مدت انتظار و بدون مدال بقیق خود ادامه دهد .

وقتی با حالتی خراب بئرد سادی باز میگرد و بدو اطلاع میدهند که از مولانی استفاده و مسرور شده و جبهه ای را که در آن چند مدال بنظر میرسد ویلیام نشان داده میگوید مسمی آنها را برای موقع عروسی تهیه دیده بودم . در همین موقع خبر میرسد که در وسط دریا کشتی مسافری در چارطوفان شده و بواسطه از کار افتادن موتورهای آن تر فریگت شرق شود . ویلیام مالون نخت بدین امر اهمیتی نداده و از جای خود تکان نمیخورد ، ولی مردانگی و دناکاری در عروق مالون بچوش آمده ، از جای بر میخیزد و پس از برداشتن جعبه مدالها از در خارج میشود و خود را بکشتی تارو میرساند که برای نجات آسیب دیدگان میخواهد لنگر بر میگرد .

هنگامیکه در میان طوفان و امواج خروشان دریا کشتی تارو بفاصله کمی از کشتی آسیب دیده میرسد ، فرمانده دستور میدهد قایق نجاتی بدریا انداخته و برای برقراری رابطه بین دو کشتی عده ای داوطلبانه سوار قایق شوند . وقتی این خبر در زندان کشتی بگوش اوشی میرسد ، بیخوابی متوسل گشته و پاسبان خود را بجای خویش برندان انداخته و جزو داوطلبان داخل قایق نجات میشود . اگرچه در بین راه از دست طوفان قایق آنها و از گوین میگردد ؛ ولی با کمر بندهای نجات خود را بان کشتی که در حال غرق شدن میباشد میرساند و مسافرین و ملوانان کشتی را یکی یکی بتارو میفرستد .

در آخر کار که کشتی در شرف غرق شدن است و هیچکس جز ویلیام و اوشی باقی نمانده اند بین ایندو بر سر آنکه کدام یک زودتر باید نجات داده شوند نزاع در میگردد ، زیرا هر کدام میخواهند آخرین کسی باشند که نجات می یابد ، با اینجهه مدال نصیب او میگرد ؛ اما مالون باوشی مهلت نداده او را با یکمشت از پای در میآورد و بکشتی تارو میفرستد . وقتی میکابل قدم بدیده کشتی میگذارد ، آخرین دغل کشتی آسیب دیده سرنگون شده و بدبطریق رابطه آن با تارو قطع میگردد . ویلیام که خود را بارمک رافتمندانی او در برو می بیند ، از موفقیت استفاده نموده مدالهایش را بهینه میزند و بطری شامپانی که در کشتی پیدا کرده است بدهان میگذارد و در این حال کشتی بریر آب فرو میروند .

میکابل اوشی چندین بعد با دوری مالون ازدواج مینماید و عکس ویلیام مالون آن مرده فدایار و چسور را برای سمرش کودک خان خوش بدینا میآویزند . « ش »

هنگامیکه موسولینی سان میبندد

درباره فرودگاههای هوایی ایتالیا

و سرداران سپاه ایتالیا دور او را احاطه نموده اند .

هنگامیکه موسولینی فرا میرسد صدای شیپور بلند میشود . افسران سرعت در کناری جمع میشوند . در کنار جایگاه افسران گارد پیراهن سیاهان موسولینی که از جوانان نیرومند تشکیل شده ایستاده اند در روی میز کوچکی نشانهای مخصوصی که موسولینی بدست خود عطا خواهد کرد مرتب چیده شده است . یک دقیقه سکوت بند سرود ملی نواخته میشود

مردم که درست دیگر فرودگاه جمع شده اند با صدای بلند هورامیکشند . موسولینی آهسته از مقابل سربازانی که از مقابل او روزه خواهند داد رد میشود . نخست وزیر باندازه ای تند می رود که اشخاصی که همراه او هستند و روزنامه نگاران و عکاسها برای اینکه عقب نمانند مجبور میشوند بدوند .

نخست وزیر در مقابل هواپیماهای سه موتور به بیابانی اندکی توقف میکند . افسران سلام ناشی می دهند . باز صدای هورای بلند میشود . موسولینی و همراهانش سرعت براه می افتند .

در مدت ۱۵ دقیقه موسولینی دو کیلومتر راه را طی میکند . سپس بجایگاه نمایندگان سیاسی سلام کرده و بجایگاه خود رفته و غیردار می نایند .

من توانستم در این موقع بدون درد سر نخست وزیر ایتالیا را درست تماشا کنم موسولینی هنگامیکه می ایستد مثل الف راست است . شانه های پهن و چهره آرام نخست وزیر ایتالیا نشان صبر و حوصله بی پایان اوست . هیچکس تصور نمیکرد که موسولینی در روی زمین چمن و مرطوب چندین کیلومتر راه را باین زودی طی کند .

نخست وزیر ایتالیا سرخ و به سست مابر گرداند رنگش سرخ بود و نشان سلطنتی از چهره او میبارید . موسولینی همیشه خندان است و بویژه وقتی که پیشرفتهای نیروی هوایی ایتالیا را مشاهده میکند چهره اش چون گل شکفته می شود وقتی که بازماندگان قهرمانان جنگهای اسپانیا و آلبانی و آفریقا برای دریافت نشان جلو آمدند موسولینی بدست خود مدال الزو را به آنها داد این مدال بزرگترین افتخاری است که نصیب فدا شدگان راه میهن میگردد . زن یکی از قهرمانانی که در جنگهای اسپانیا جان سپرده بود بایچه کوچک خود که موهای طلایی رنگ داشت جلو آمد موسولینی بچهره درخشان بوی محبت و توهامی وی را نوازش کرد و پرتو آینه بوی محبت نمود . پس از آن حکمی را که به تاسیت اعطای نشان عالی جنگ به خلبانان قدیم نوشته شده بود با صدای شمرده خواند .

نخست وزیر ایتالیا ترمیمی است که میداند در هر جا چگونه باید رفتار کرد . در مقابل قهرمانان زنده حرکات موسولینی بکلی تغییر کرد . وقتی که فرات داشتند خلبانی در مقابل موسولینی رژه می دادند باز صدای کف زدن جمعیت شنیده شد .

در سرزمین روم قدیم ایتالیا چندینی بوجود آمده که نسل جوان آن با اضبط کامل پرورش یافته است .

بنیادین هفدهمین سال ایجاد نیروی هوایی ایتالیا موسولینی نخست وزیر آن کشور شخصا در فرودگاه هوایی « سیامینوسود » نشانهای زیادی را بچهره مان جنگهای اسپانیا و آفریقا و آلبانی بیاورده اند آن ها میبندد . اتومبیل بزرگ مسافری که سرعت مارا در طول جاده « آلبانوا » حرکت می دهد ملول از خلبانان ایتالیایی است . این ها همه لباسهای خاکستری فایف بیز دربر دارند . بعضی از آنها پیراهن سیاه پوشیده اند که علامت مشخص حزب فاشیست است . همه آنها جوان بوده و اغلب بانوان آنها هم همراهان می باشند . صدای تپه های جوانی و شادمانی فضای اتومبیل را پر نموده است .

بعضی از خلبانان جوان بچه های کوچک خود را در دوش دارند . بعضی از این بچه ها در آغوش مادرانشان می باشند . در ایتالیا ایجاد خانواده و زن گرفتن حائز اهمیت و افتخار مخصوص در جامعه می باشد . مرد زن دار در تمام مراحل زندگی اجتماعی و خصوصی خود از مردان بدون زن جلو بوده و محترم تر میباشد . ما از یکدهشت و وسوسه و سبزه ایتالیا میگذشتیم در گوشه و کنار آثار باطلات را دیده می شود در آسان آبی رنگ ابرهای سرخ رنگی توده شده است . از دور بناهای رومی با عظمت و جلال تمام قیافه تمدن هزار ساله خود را نشان میدهند .

در ایتالیا سنگهای زیبایی یافت می شود که در اغلب بناها بکار رفته است از همین سنگها شاهکارهای صنعت ایتالیایی زائیده شده و قرون قدیم و وسطی آثارند عیسوی خود را در روی همین سنگها بجای گذاشته اند .

فرودگاه هوایی « سیامینوسود » عبارت از یک توده ساختمانی بزرگ و جدیدی است که دارای آشیانه های فراوان برای هواپیما های تند روی ایتالیایی میباشد . سراسر این فرودگاه با پرچمهای ایتالیایی تزیین شده و علامت خانواده پادشاه ایتالیا یعنی خانواده « سادوا » و تاج سلطنتی در روی پرچمها خود نمایان میگردد . در سراسر فرودگاه علامت و ظواهر نیروی هوایی ایتالیا موجود است . نیروی هوایی را در ایتالیا بزبان خاص ایتالیایی خودشان « آراتنا آورتورا » می نامند .

بسی و بلندی زمین در این قطعه در اثر وجود تپه های سبز و خرم قشنگی مخصوصی بوجود آورده است که سالهای قبل مورد تعسیر « هوراس » قرار گرفته است . همین لطف و زیبایی طبیعت است که طایع ایتالیایی را این همه نرم و ظریف ساخته است . سران سپاه فاشیست فرامیروند . « ژنرال تروزی » با او نفرم ایتالیایی و چهره جذاب خود که در زیر انبوه ریش پوشیده شده با نهایت ادب با کنت چیانو وزیر امور خارجه ایتالیا و داماد موسولینی صحبت میکند کنت چیانو فوق العاده جوان و باو نفرم مخصوص سبز خا کستری رنگ قیافه جذابی پیدا کرده است .

وزیر فرهنگ ایتالیا موسوم به پاو لینی و یا پیراهن سیاهی که پوشیده توجه عموم را بخود جلب کرده وعده زیادی از سراسر حزب فاشیست

دیدار از یوگوسلاوی

صربستان و استحکامات آن

بلگراد شهر نورانی

مقاومت در جنگ فقط سینه سربازان آن

ی باشد . بنا وجود اینها اثر به یوگوسلاوی حمله شود فوراً دفاع خواهد کرد . یوگوسلاوی ایش از همه چیز بابت شرافت ملی خود می باشد و تاکنون کشورهای وارد جنگ و همسایگان یوگوسلاوی چیزی از ما نخواستند که مخالف باجیشیات و شرافت ملی ما باشد همه میدانند که مردم صربستان از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ با چه حرارتی جنگیدند .

امروز یاد بود آن رشادت خود بخود خطر جنگ را از مرزهای یوگوسلاوی دور میسازد .

رواج کالای خارجه در بلگراد

نمایشگاه کالای بلگراد چند روز بوده که باز شده بود . در یکطرف نمایشگاه سرزمینی است که کاهی آب رودخانه ساو در اثر طغیان به آن سوار میشود و در طرف دیگر بل بر سر معلق چشم را خیره میکند . این بل معلق منظره جذابی به بلگراد بخشیده است ضمناً وقتی که از روی این بل دور نمای شهر را بنگریم چشم انداز بدی دارد .

از دور خانه های نوساز سیمانی و خانه های قدیمی شهر دور نمای مخصوصی را بمان نشان میدهند نمایشگاه کالای بلگراد حالت نمایشگاههای بین المللی را بخود گرفته بود . وضعیت کلی نمایشگاه در اثر غرقه های مختلف آن مانند یک دهکده گرمسیر که اشیاها در منطقه سردسیر قرار گرفته باشد .

کشور های وارد جنگ هر کدام غرقه خصوصی دارند . پرچمهای آلمان و فرانسه و ایتالیا و رومانی در اطراف نمایشگاه دیده میشود . البته برای ایجاد این غرقه ها نمایندگان بازرگانی زیادی به یوگوسلاوی وارده اند

اسلحه و زغال

در عوض گوشت

همانطور که گفتم بازار خرید و فروش و داد و ستد و معاوضه کالای یوگوسلاوی و آلمان رواج است . در مقابل انگلستان هم در صد خرید کالای یوگوسلاوی بر ت آمده است . یوگوسلاوی از آلمان زغال میگیرد و به همین جهت در مفازه های آلمانی در بلگراد نمونه های مختلف زغال آلمانی دیده میشود . در خود یوگوسلاوی زغال هیچ نیست .

آلمان به ایتالیا و یوگوسلاوی زغال میدهد در عوض از یوگوسلاوی گوشت می برد و از ایتالیا سبزی و انواع خمر ...

در غرقه آلمان در نمایشگاه بلگراد نمونه های زیادی از کالای صنعتی آن کشور قرار داشت بارجهای صنعتی ، کالچوی مصنوعی ، و غیره فراوان دیده میشد . اساس معاملات کشور یوگوسلاوی بر قرارداد با پایای « تهار » میباشد از موفقیه جنگ شروع شده فرستاده های یوگوسلاوی به آلمان زیاد نشده بلکه فرستاده های آلمان به یوگوسلاوی زیاد شده است ایتالیا هم در یوگوسلاوی داد و ستد فراوان دارد . انگلستان هم برای خرید کالای این کشور مشغول شده است

کار فکری و اراده

کتاب دوم - اصول روانشناسی روش کار

بخش دوم : حافظه

ثروت معنوی پست تر از مملکت مرد هتان طبقه قرن هفدهم باشد زیرا عموماً مترنزل و آشفته حالیم ، هیچ استقامت و باثباتی نداریم ، در وجود ما از آرامش روحی فقط یادگار لفظی آن باقی مانده است .

پس ما باید حافظه خود را بر سرزمینی تبدیل کنیم که در آن فقط تپه های زبده و بر مفرز و بر بومیم .

دانه ای را که انتخاب میکنیم باید از همس و عیب بری باشد ، از این انتخاب خود مستلزم نازک بینی وقت است .

نباید بانکداری که تحت تاثیر کلیات خاص روحی ما ، چون حب و نفیض و جانب خواهی و ترس و حسد و حرص و غیره و غیره قرار گرفته اند ، توجه کنیم . نیز مسائلی را که با شتاب آموخته ایم نباید در حافظه متسکن ساخت .

فقط حقایق را میپذیریم که در کوره آزمایش گذاخته و تصفیه شده اند ، عقیده ای را قبول میکنیم که ساهل در اعناق روح زیور شده است . نه شایردگی و سیک سری ، نه عقیده بی مطالعه و سهل انگاری ، هیچیک بکار مردم نمی آید : این است دستور که مورد پسند یا تروح آزاد میباشد .

با شکیبایی : با مداومت : با تفکر و دقت گرد می آید قبول میکنیم که ساهل در اعناق روح زیور شده است . نه شایردگی و سیک سری ، نه عقیده بی مطالعه و سهل انگاری ، هیچیک بکار مردم نمی آید : این است دستور که مورد پسند یا تروح آزاد میباشد .

زین بخش بیکر حافظه گردد .

هر یک از ما بی اندازه کارهای غلط کرده ایم

حافظه که باید پدما زانیده آزادی روحی و تکیه گاهی مطمئن برای اراده ما باشد بدبختانه قید بندگی بر گردن ما افکنده است . حافظه صفحه است که لحظه لحظه افکار غلط ما طماعتات می سرت و بر عجله احساسات ناباک و اعمال زشت ما در آن ضبط میشود این خاطرات باس آور گذشته است که ما را مطلقاً بنده حافظه میکند و تعیین سرنوشت را از اختیار اواده خارج میسازد .

و است که گنشت همگی ما تاریم میباشد ولی با وجود این زیر چاکتی های سرده آن هنوز اخگری چند باقی است .

جستجو کنید ، همینکه در معدن حافظه در بین گل و لالوسنک و خاک بار ، زری یافتید متوجه آزادی روحی خود می شوید ، از این پس رشته زندگی را بدست اراده خواهید سیر دودر کشور علم رخت بشهری میکشید که منظور شماست .

ولی اگر در حافظه خود بیست و نوزدهم انتخاب را مآذیه بدون مداخله اراده صورت می گردید و از خاطرات بر نیروی حیاتی پیش دستی می گیرند .

هنگام جوانی تمایلات و شهوات بر نیروی عقلانی غلبه دارند . برای آنکه آینده خود را بدست این سوسه گران بداندیش نیساید باید هر روز بر علیه تمایلات نفسانی جنگید و نکته قابل ملاحظه اینکه همینکه خواستید جنگید طریق جنگیدن را می آموزید و فاتح خواهید شد .

دست را گرفته و او را داخل اطاق خواب خودم کردم این همان ستوان آلمانی بود که در اطاق باین بن چشک زده بود جز آنکه حالا لباس خواب ابریشمی سیاه و سرخی بر تن نموده و دوزیر آن پیچامای ابریشمی آبی رنگی داشت . آهسته زیر پره بر گردان خود را بالا زد و دودانه استیجاق بین نشان داد که بطور اریق قرار داده بود آنکه خندیده سالی از دوداد و گفت

« من انگلیسی هستم و در اداره آگاهی و استخبارات بروکسل کار میکنم غیر از من چند نفر دیگر در اینجا هستند گمان میکنم شما از دیدن من در لباس نظام آلمان خیلی تعجب گردید و لیکن من یکی قبل از آغاز جنگ مامور این قسمت شدم . خبر ماموریت منی که به شما محول شده است با قیلا داده شد و من مامور شدم که مراقب شما باشم »

گفتم « لابد بسلامتی که داده بودم مرا شناختی »

گفت « آری » آنکه قوطی سیکار خود را در آورد و آتزه کشود ولی ناگهان فکری بغارش رسید قوطی را بست و گفت

« بهتر است اینجا سیکار نکشیم زیرا این سرهنگ پیر مسکن است در مراجعت بوی سیکار را ملقت شود . خوب بگو به بیم تاکنون چیزی از او فیهیده ای و موفق بتحصیل اطلاعاتی گردیده ای ؟ اگر

کمی از دست من ساخته است بگو . هر امری هست بگو »

گفتم « تا آلاان نتوانسته ام چیزی بفهمم ولیکن شاید تا فردا صبح اطلاعاتی بدست آورم .

امشب وضعیت مشکلی برای من پیش آمده است »

گفت « دیکش ی توانستم ککی بشما بکنم »

گفتم « بیچوجه نمی توانستید زیرا اگر ی توانستی و یا در صد بر می آمدی که ککی بن بکنی هر دومان مظنون واقع می شدیم امشب باید بانه خودم کار کنم و متکی بنیرباشم ولی باز از دست شما کار بری آید »

با اشتیاق تمام گفت « آن چیست بفرمایید »

« چرا هیچ جای دیگر جز باعلی حضرت امپراتور نگاه نمی کنی . فرشته عزیز من چه چیزی عجیب بنظرت آمده است که اینگونه با نظر اعجاب بقصر نگاه میکنی . میا عزیزم چرا بن توجه نداری ؟ »

برخاسته رفتم باطاتی که بتوانم قدری نوشابه و قهوه بخورم در همین اطاق بود که یک نفر بانگه خیره خود توجه مرا جلب کرد وقتی من باو نگاه کردم چشمکی بن زد اول نفهیدم که مقصود چیست . سرهنگ مشغول صحبت بود اما من حواسم جای دیگر و چیز دیگری بود . بعد فکر کردم که شاید این شخصی که بن چشک زد همان ماموری است که برای کمک بن فرستاده شده . آیا این همان است ، دوباره همان شخص که لباس نظام بر تن نموده و درجه ستوانی داشت بن نگاه کرد و این بار باسر اشاره نمود و بر خاست و بطرف آسانسور رفت .

سرهنگ نیز برخاست و گفت « میا برویم گویا خسته شده ای بهتر است برویم اطاق خودمان »

همین که بطبقه بالا رسیدیم مرا در بشل گرفت و گفت « عزیزم من میروم وزود بر میگردم »

بعد نگاهم بلباس خواب من که روی ناز باش قافه و قافه بود نگریدم بدون آنکه دیگر حرفی بزد از در خارج شد و آهسته در را بعقب سرخود بست . من باطراف اطاق نگاه میکردم و نیدانستم چه بکنم سپس جلو پیشرو آمده پشت در را پس زدم و به بیرون نگاه کردم . زیرا این قسمت از عمارت یک کوچه فرعی بود و در آن سمت جز بشت بام و مناره های ساکت و خاموش بروکسل در مقابل مهتاب چیز دیگری دیده نمیشد .

در نزدیکی اطاق من یک بالکون کوچک بود من بنچره را کشود با به بالکون نهادم . نسیم ملایمی میوزید و از اثر آن کوئی بیشتر امیدوار با اقدام خود شدم .

ناگهان یک میکی در بالکون نزدیک بن نمودار شد . معلوم بود مرد است با دست خود اشاره بن نمود فاصله بین من و او بیش از چند متری نبود آهسته آهسته خود را بن رساند تا آن که درو رو شدیم .

بقلم : بانو مارث مک کنا - ۳۳ - مترجم : ا ش

جاسوسی های من در جنگ بین الملل

فصل ششم

ابتدا تصور کردیم که خدمتکار مهتاس را برای تمیز کردن

اطاق در باز گذارده ولی پس از آنکه داخل شدم دیدیم یک سرباز آلمانی جلوتر به درحالی که پشتش بن بود ایستاده و خارج نگاه میکند . دو جامه مرد عیب گرد بر کشت سالی داد و بدون آنکه کلاه بر زبان آورد یک تبسم مصنوعی نمود و از در خارج شد . من مقصود را دانستم ممکن نبود اطاق مرا بجای اطاق سرهنگ اشتباهی بگیرند زیرا احروف اول اسم سرهنگ روی جامه مان نوشته شده بود .

من کنار تخت خواب نشستم و فکر میکردم که این چه بازی است .

در حین تفکر باین موضوع فکر می رسید که آنچرا که میخواستیم یا زحمت بدست آورد اکنون میتوانم بدون زحمت بفهمم تگاهی به ساعت منی خود نمودم دیدم درست موقعی است که معنولا سرهنگ از اطاق و طایف قبل از ظهر بر میگردد و شاید هم اکنون در اطاق نوشابه منتظر من باشد .

بخود گفتم : تو بری انجام ماموریت منی آمده و در هر صورت جاسوس مامور سر می محسوب میشود باید تا فرستاد از دست نرفتم اقدامی نکنی و نتیجه بگیرم »

وقتم باطابق نوشابه همانطوری که انتظار داشتم سرهنگ تازه آمده و منتظر من بود تعطیلی کرد دست مرا بوسید و دستور داد نوشابه میآورند ولی بیچوجه اشاره به جامه دانی که در اطاق من آورده بودند نمود . یکمرتبه بیاد این شخص افتادم که بنا بود برای کمک به من بروکسل بفرستد

از موقعی که وارد بروکسل شدم بدم متوجه این موضوع نبودم ولی نیدانم چه باعث شد که در این موقع متوجه این معنی شده و احساس کردم که الان مسکن است احتیاج بوجود چنین شخصی پیدا کنم قرار همین بود که یک نفر را بفرستد بروکسل که در بنهایی مراقب من باشد ولی تاکنون آثاری از او و ظهور نرسید و اشاره از او بن نشد و نیدانستم بکجا نگاه کنم و از کدام طرف انتظار او را داشته باشم و تاکنون از سرهنگ هم با همه بر حرفی اش چیزی نفهیدم بوم .

در همین اثنا که باطراف اطاق نگاه میکردم یک نفر با صدای بلند آگهی داد که امشب در اویرا کنسرت با شکوهی داده خواهد شد بهلاوه آگهی کنی هم در روی یکی از ستونهای مهتاسرا آویزان بود از سرهنگ خواهش کردم مرا امشب به اویرا ببرد .

سرهنگ تبسمی نموده گفت « البته شما را خواهم بر دمام و اواز عزیزم خیلی خوب پیشنهادی کردی » سپس دستی به سبیل خود برده تگاهی به سقف اطاق کرد و گفت « آری موسیقی مقدمه کیف های دیگر است . انفا تا امشب در او بر یک شب بسیار با شکوه رسمی است زیرا شخص اول کشور یعنی اعلیحضرت امپراتور در اویرا تشریف فرما خواهند شد »

قلم بکسر تبه تیدن گرفت . گفتم امشب باید زیاد شراب به سرهنگ بخورانم تا بلکه قتل دهانش را چنانکه می خواهم باز کنم . این کار را کردم ولیکن نه آنطوری که می خواستم . اویرا از جمعیت پر بود ولی کمتر غیر نظامی در میان آنها دیده میشد . هنگامی که امپراتور آلمان وارد شد سرود ملی آلمان نواخته شد همه مثل یک موج عظیم بکمر تبه از جا جست به پا ایستادند و در حالی که ایستاده بودند فریاد شرف بر کشیدند . قیصر چندان توجهی بپیرامون خود ننمود . موقعی که در او مخصوص جلوس نمود من یک بنو نظر کرده قیافه اش را خیلی گرفته و ملول یافتم گوئی با مسئولیت سنگین و دشوار جنگ اثر خود را آشکارا در جبهه وی رقم زده بود .

من که یک نفر جاسوس بودم فاصله چندمتر از قیصر نشسته بودم . در تاریکی لوسرهنگ دست مرا فشرده و سر در گوش من گذارده آهسته گفتم :

بورلن - خبرگزاری آلمان خبر میدهد

در مختصر جمله هوایی در شمال اعظم در دید

بعده دائر بر اینست که روز ولادت رئیس جمہوری

رسیده است •

... است.

1

[illegible]

اختراع در موقع جنگ

تاریخ بانک ملی ایران در تاریخ ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷

لرخ روسی بالند	لرخ ارز بلیره	لرخ ارز دلار امریکا
لرخ روسی فروش	هر لیره :	بدون تعهد هر یکصد واحد ارز بدلات
لرخ روز	لرخ روز	لرخ روز
—	—	—
۵۸۰۹۵	—	—
۶۸۴۵۵	—	۴۰
۸۱۰۴۵	۱۳۱۳۳	—
—	—	—
—	—	—
۳۷۷۱۸۰	۱۷۰۹۵	۲۱۰۹۵
۵۴۵۵۰	—	۳۱۸۰
—	۵۰۱۵	—
۱۷۰۱۱۳۳	۴۰۰۳۵۰	—
۳۰۰۹۰	۱۷۰۴۷۵	۱۰۸۵
۸۶۰۹۵	۶۲	۵۰۰۴
—	—	—
۴۰۴۰۳۵	۱۳۰۹۱	۲۳۰۴۴

فلورن هلندی آمستردام
دينار عراق بغداد
مارك برلن يا هامبورگ
روبيه بيشی
پلکا بروكسل
فرانك سويس ژنو يا زوريخ
ليره انگليسی لندن
ليره ترك اسلامبول
دلوار امريكا نيويورک
فرانك فرانسه پاريس
لير ايتاليا رم يا ميلان
کودون سوئد استکهلم
بن زابن کوبه



اگهی از طرف باشگاه هواپیمائی کشوری ایران

کسانیکه مایل بشرکت گذر مناقصه هستند نباید پیشنها خود را در بابت تشریحات و
مهور تا آخر روز دوشنبه ششم خرداد ۱۳۱۹ بدینتر باشکاه هوا بیفانی کشوری درخیا بان
متوجهی تسلیم و رسید بگیند و مبلغ بگزار و رالی و دبه و یانگیلی بختاب سبره بابت ساخت
آشیانه فرودگاه باشکاه هوا بیفانی پرداخت نفوذ و قبض آنرا پیشنها خود بیوست نمایند
و روز سه شنبه ششم خرداد ۱۳۱۹ سه ساعت قبل از ظهر پیشنها امدت رسیده در کمیسیون مالی
باشکاه قرائت میشود حضور پیشنها دهندگان آزاد است برای احوال هر گونه اطلاع بدینتر
باشکاه مراجعه شود شماره ۶۷۶۷ - ۱۲۰۳ - ۴۳

۱۵۱

۱ - بازترین آوژش پیشنهادی را با مشخصات مربوطه و نشانی پیشنهاددهنده در بانک لاگداری که روی آن عبارت (راجم بدسترد دوخت بوشاک) نوشته شده و بکریال تبر مالیاتی چسبیده باشد تا آخرین وقت الاژی روزه یستونبیم خرداد ماه مستقیماً با سفارش دوقبضه بدفتر کارپردازی معازن تهران تسلیم نمایند :

۲ - ضامن مقبضه اعتبار دارائی او در حدود نصف بهاء مورد معامله بگواهی شهربانی یا کلاشتری مربوطه ردیفیده باشد چنین و معرفی نامه را پوست پیشنهاد نموده مبلغ دو هزار زیال بنام این اداره دو خزانه دارائی آوژش سیزده رسته آفرایست پیشنهاد بفرستد سیزده آتهانی که بگونه خدافه شده نشوند مسترد و سیزده رسته خاصه دو صورتیکه از امضاء پیمان خودداری کنند بتم آوژش پایگانی میشود.

۳ - پیشنهادهای مبتنی بر روش پیشنهادی خودآموز در کسینوم متشکل در کاربرد دای مجاز، با حضور پیشنهاد کنندگان که حاضر شده باشند با ویراسته گئی خودشد
۴ - پیشنهادهایی که حاضر شرایط بالا بود و بوقوع نرسد ترتیب اثر داده نشود.

شماره ۱۹۰۶۲۷۶۹۰۲ ۱۳۸۳-۲ ۲-۱ کاربرد دای ارتش

کافہ پر زیل

غیا: راه لاله‌زار (خیابان شاه) مغازه آی با از ۲۲ فروردین ۱۳۱۹ دایره بانوان
و آفتابان گرام و مشتریان خود را به پوشیدن و خریدن قهوه برزیل دعوت می‌نماید.
۱۳۱۵-۲

57

در نهم اسفند سال ۱۳۸۸ آقای ربانی بوکالت صقیه خانم و سلطنت خانم و محبوه خانم و مخصوصه و فقیهه و بیبه خانم فوت رفا ستارمرا بشرح تقاضانامه شماره ۵۰ در شهر زنجان جایگاه دائمی اعلام و بستند و زونوش ششنامه و استعلاجیه صقیه خانم را عیال دایمی و سایرین را دختر و وارث منحصراً از حقوق مرقوم و تقاضای رسیدگی و صدور تصدیق ضرورات نموده دادگاه شهرستان زنجان که باأمور دادگاه بخش نیز رسیدگی مینماید در سوم اردیبهشت ۱۳۸۹ بتصدی محمدتقی کیا دادرس علی البدل مراتب را به نوبت متوالی همراه بیکمربیه در محله رسی وزارت دادگستری و روزنامه اطلاعات نشر آگهی مینماید که هر کسی نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی دارد از تاریخ نشر آگهی اول دویست مهماه اعتراضات خود را کتیباً بدادگاه مزبور تقدیم بدوروز اتقاء قضاء نموده و عدم وصول اعتراض تصدیق داده خواهد شد

نوبت اول ۱۳۹۵/۲/۲۷ ۱۹۹۲
دادرس علی البدل = هختم تقدیر کیا

آقا شما مشتری فراوان دارید

بلی برای آنکه تیغهای مارک **لئولو کس** سولیدی را بشتریان خود تقدیم مینمایم.

قیه از صفحه اول

و بریدن از جاهای مرتفع و بیش گرفتن درد و بریدن دیگران مباحات میکرد چه شد که حالا آرام بگوشت ای نشسته دست از باخشا نمیکند ؟ یا دیگری که فریادش باسان میرسد و مریدانش فزاد میگرفت چرادر دیگر نفس درنماید ؟ و مثل ملک دیووح گوشه ای افتاده است ؟ انتدایق شادنی و نشاط چگونه و بافته و غم ششنی شد و آتش و فلفله چرا بسکوت و خاموشی مبدل گردید ؟ این احساسات مخلوط و درهم که هر لحظه بصورتی جلوه کرده و برنگهای مختلف آشکار میشود سرشمه اش کجاست ؟ باوجود اینکه معصری بروی جوانان آتش هضم میدهد تاکنون روان شناسان بزرگ نمیتوانستند باین سوال یک جواب حسابی بدهند ؟ در ایندوره شخصی دچار انقلاب شغنی است. آمال و آرزو ها باشکال مختلف پیرامونش یال و پیر میزند ، آتش از درونش شعله کشیده میشود. هرچه را درهرگنارخود می بیند سوزان میگردد فریاد « میخوام » از اعماق دلش باسان بی رود ؛ میخواد بهر کاری دست بزند ، هرناحیه محبوبی را کشف کند ، راهی را که دیگران نتوانستند آنرا خطی کنند یای شوق پییابند ؟ ایندوره آبی سر از پای نی شامد ، بهیچ چیز رضای نمیشود و بهیچ حد نیاز نیست ، درست مثل یکبار آتش است که جز باب باکامیابی و موفقیت بهیچ آبی خاموش نمیشود و حرازش فرو نمی نشیند . این یکی از خطرناکترین مراحل زندگی است که آدمی ناچار باید از آن بگذرد . دراینحال نباید که او میان دیوار آهای از افلاطشک محصور شود و هردی را بهار و برورش بست یا بگذارد بهر کاری دلش میخواد دست بزند و استعدادهای خود را آزمونایش کند و برای زندگی فردا آماده شود . تنها زندگی

یکدوست صمیمی در پیدا کردن راه مقصود باز مساعدت نمایند و حاصل تجربیات خود را بنام راهنمایی در دسترس او بگذارند تا رفته رفته راه را از جاه بناسد و بوظایف خویش آشنا گردد.

گفتیم و باز هم میگوئیم، آن اندازه که
فرزند در این مرحله بکمک پدر و مادر نیازمند
است در هیچ مرحله دیگر نیست زیرا در این
دوره است که عواطف و احساسات گوناگون
الکار اندیشه‌های مختلف از چهار طرف احساسات
نرده و هر کدام او را برای می خواست
و بسوی دهنش میکشند. در این دوره وجود
انسان شبیه یک کشتی بادی است که در میان
دریای بی‌پایانی سیر می‌کند و امواج کوهی

از هر طرف با وحمله و زنده ، بیفتی و راست
مقابلش سازد ، با مانند شمع است که بر
دریچه باد نهاده باشند و هر دقیقه بیم آن رود
که شعله اش خاموش شود و شراره اش فرو
نشیند ، حقیقت این است که موقعیت جوانان اکثر
آهادر بلوغ از همه اینها سختتر و خطرناکتر
است : آمل و آرزوها بیشتر درجه بلندی
دارد : خواهش ، تمنا ، شش و سهوا که نند

بدر و بالاتر از همه عزیزه جنسی مانند شیر
شده از خواب بیدار شده و از هیبت خویش
وجود انسان را برزخ درمیآورد: «استحاله از آن
مراحلی است که اندک غفلتی ممکن است جوانان
را بامقاص دزدی پیچاگردی رتابد کند؛ پدرماد
عاقل آنها می هستند که باریکی موقع را شناخته
قبضه بر او نموده طفل را در راه تر

و برای شوق و اشتیاق بیشتر و بیشترش صرف کنند و خاطرش را به کتب هنرودک کافیه معارف دارند؛ از آن سوی کتابهای هنر و شهوت انگیز را در دسترس نگذارند و او را مشغول کنند تا به تپش افلاک از آغاز بلوغ مانند مردم مست باندک چیزی بصر یک میشوند و از همین نقطه نظر پدر و مادر باید کاری نکنند که بانها بر بخورد یا سختی نگویند که هوا فشان جرعه دار

آقا شهاب مشتری

شود و برای رهبری آنها بجای اینکه از راه درشتی و خشونت وارد شوند بهتر است که راه ای طبیعی تری را در نظر بگیرند ؛ یکی از راه های خیلی ساده و خوب این است که اعطای از آن سرگشت بازبان روزگار آنکه کنند که چطور با پایداری و فدا کاری موانع را از پیش پای خود بر داشته ، با سعی و کوشش شایسته مقصود را از آغوش گرفتند و به جای کامیابی رابست برهم پیاده میروند دنیا کوس و ز کوسای خوش را می بینند و از راه شربت خود را بکوش جهانیان رسانیدند ؛ البته باید زودتر فکر طایر رسید و انداز استفاده اش را فهمید سپس به عهده ابرزغانی کنی که با ذوق او سازش دارد انتخاب کرد و ترجمه عالقان را در برابر او گذاشت .

کسانیکه تازه وارد مرحله جوانی شده اند با یک عطش مفرطی داستان زندگی قهرمان جهان را دست آورده و میخوانند. در میان بزرگان عالم احیاناً شخصی هم پیدا میشود که قوم و هوش استعداد خود را در هیأتی ناشروع بکار انداخته اند؛ دزد و راهزن شده اند، مردم را از راه برگردانده و گمراه کرده اند، قتل و آتشوبی بر پا نموده و آتش فساد را دامن زده اند، حقوق بلای ملت را بازبیه و آلوده کرده اند و داده اند البته اینها هم اشخاص لایق و با استعدادی نبوده اند، منتها باایات و استعداد خود را در راههای بدصرف کرده اند پدر و مادر و آموزگار در میان سر آمدن جهان نهایی را باید برگزینند که بر زندگی با نظر مثبت نگرد کرده و طرفدار فضیلت و نیکی بوده اند تا نام آنرا دست از دامن دوستی و باگی بر نداشته دنبال مهربانی و خویشتی را راه نکرده اند فلاسفه بدین حکماء شکاک و سوفسطائی راهی پوخت نباید در مقابل طفل بشنوا و رهبر قزاق داده و دشمن آنها را سر میزنند و سازیم زیرا تا در سایه آنان کامی بر می دارد هیچ کجا نمیرسد و معلما این راهی که می رود بی گنا است.

روح انسان در آغاز جوانی مملو از عواطف
و احساساتی است که اگر بجا صرف شود کمال
سعادت او را استوار میسازد و گرنه بنیاد

زندگی‌اش را از پایه خراب و ویرانی می‌کنند
عوامل طبیعی مثل آب و آتش یا بآخر و برق
و اگر بجا بکار بروید، فواید بیشماری با می‌رساند
و الا مایه فلاکت و تیره بختی‌ها می‌شود و همه
جار از برور می‌سازد، فقر حق می‌کند عواطف
انسان‌ها؛ همین دلیل است می‌سازد و خراب می‌کند
می‌کشد و زنده می‌ماند!

بلی درودۀ برشور جوانی هماغلطوری
مشاعر انسان قویّت میشود غواطف نیز پیدا
شده احساساتش هم زیادتو میگردد عزیز
جنس باخطرناک ترین صورتی آشکارا میگردد
هوئی و هویت خود نمائی میکند، خود ستایی
و مفاخرت، و نفابت باهمیقداران، و رشک و کینه
نسبت بیاثران، و حب تعجیل و سروری علاقه
بارایش سرور، و تاثرات تلخ، و شادبهای کوتاه
همواره در عمر که غوغای حیات و هیاهو
زندگی همه انسانان گرفته بطرف خودمیکشد
اینمرحله مغطوطی است از شوخی و جدی
غم و شادی، خوشی و ناخوشی، تنگی و پندی
باکی و پندیدی؛ بالاخره خودخواهی و فداکارانه
و تنها کسی میتواند رخت خویش را از اینبهر که
بیرون برده، کشتی خویش را بساحل نجات
برساند که از آغاز کار اولیاء دانا و موهوشندی
دوکارش نظر داشته باشند و یا چراغ اندیش
رازش را روشن کنند.

باز هم تکرار میکنیم که آغا: جوانی
خطرناکترین هفتله سیرزنده گی است؛ پدر
و مادرها که خودتیر بکنند: بی ازاین راه و بار
ظهور نموده و ببرورایم خاطر آتش و رافراش
کرده اند باید مرا بفرزندانش عزیز خود بود
بی از آشنائی آنها چشم نبوشند تا روزی که
اینوای مغفوف را پشت سر گذشته و گذشته
باشند.

مشخصات جنگهای امروز را توضیح داده و تأکید کرد مهم‌ترین این مشخصات سرعت و فلافلیگری و جاسوسی است.

رئیس جمهور آمریکا گفت: «نایب‌الدوله مناطق منافع جنگی آمریکا بسیار پهناور است و در اینخصوص چنین گفت: در زمان کشتیهای بادبانی اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر از جمله ده‌های تلافی می‌بسی می‌رفتند کبیر امروز اوضاع جنگی دیگرگون شده است.» امروز جزایر جنوب اقیانوس کبیر باندازه می بکرانه های غربی و جنوبی ما نزدیک اند که دشمن می‌تواند آنها را مورد استفاده قرار داده و ضربه‌های پنهانی ما وارد سازد؛

ما چندین بار تیر به دیده ایم کشور های
که آماده برای جنگ بودند و اصله دشمن
قرار گرفته اند. در طی سال های اخیر
نیروی تدافعی قوای دریایی و زمینی مازنیات
شکرف حاصل گردیده است و هیچوقت نیروی
دریایی ما مانند امروز مهم و بر عظمت نبوده
است. اما وسای کنگر که درخواست میکنم
تخصصی نکنید که موجب تأخیر تحویل هواپس
های ارکائی بشکوف خارج گردد

من میل دارم که بتوانیم رسال گیتنه
۵۰۰۰۰۰ هواپیما بسازیم . کشور ما باید برای
ساختن هفت هزار هواپیما مخصوص نیروی
دریایی برنامه می تبلیغ اینکه من درخواست
هینما به اعتباری بطلبم هشتصد و نود و شش
میلیون دلار بدولت داده شود . بانس و چهل
شصت دلار آن برای نیروی زمینی و دوست
و پنجاه میلیون آن برای نیروی دریایی و هوانا
نندگان در آن صرف شود . برای هزینه تحصیلاتی
که باید رئیس جمهور بنظر دفاع ملی بگیرد
اعتباری بطلب دو صد میلیون دلار و برای قرارداد
های ارتش بطلب هشتاد و هفت میلیون دلار
درخواست کنیم .

لندن - وزارت هواپیمایی گزاردی در
پیرامون پیکارهای هوایی دیشب که بر فراز
اراضی وسیعی صورت گرفته منتشر ساخته
است. از هواپیماهای انگلیسی که در این پیکار
شرکت جسته اند فقط یکی بازنگشته است.

موقتیت حمله های مهم مایه های جنگی
آلمان از اسراری که فرماندهی ارتش در
اعلامیه خود برای کاستن اهمیت آنها ورزیده
بتوسی هویداست.

همنا باید تلگراف داد که رادیوی آلمان
با هالی دستور داده است، تا همین دفاع در
مقابل حملات هوایی که صلاح است در مراعات
آنست عمل ننود و نیز طبق از هر گونه
وژای که بر اثر این حملات هوایی متوجه ملت
باشد جلوگیری نمایند.

واشنگتن - بنا باظهار خبرگزاری فرانسه وزارت دارائی امریکا اعلام می‌مندی بر منع انتقال هر گونه اعتباری بدولت هلند انتشار داده‌است لیکن از سه‌روز پیش از این از او اعتباری داده شده است. اتخاذ تصمیم جدید وزارت دریائی هلند بدخواست وزیر مختار هلند میباشد.

قاهره - طبق آگهی خبرگزاری
انکلیس دولت مصر بوسیله کنسولهای ایتالیا
هامور آن کشور از ایتالیا پدای مقیم مصر با
ملایت تمام درخواست نموده اند از آن کشور
خارج شوند و نیز بطور غیر رسمی با فرنگیان
مقیم مصر سفارش شده که برای حرکت از آن کشو
آماده شوند.

اولیای امور مصر تغلبه ناحیه (هلیو
بولیس) واقع در نزدیکی قاهره و ناحیه
اسکندریه و ناحیه بیلا مون قزو و داهه و دیگر
مواضع مهم لشکری را آغاز کرده اند .
هرگز ستاد پیشوای آلمان غیر گزاردی
آلمان آگهی میدهد توپخانه فرانسه از روز
ششم ماه مه باینطرف بدون هیچ علت بمباران
شهر بغداد (واستانه) را آغاز نموده اند .
توپخانه سکین آلمان که دارای بر دزدان میباشد
بعواضه بمثل برداخته (هانزوف) را زیر آتش
خود گرفته است

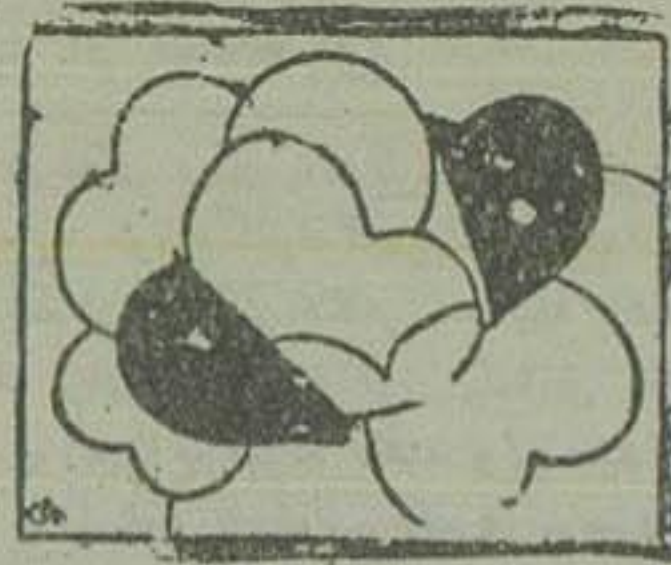
تازگی و صید

مقتضای ماشینهای تحریر اربکا مدل ۵ ثلاثیام نشده اند خریداری نمائید *
ویلی شفل - چهار راه مغبر الدوله تلفن ۵۵۲۴ T - ۱۳۷۳

۱۵۱

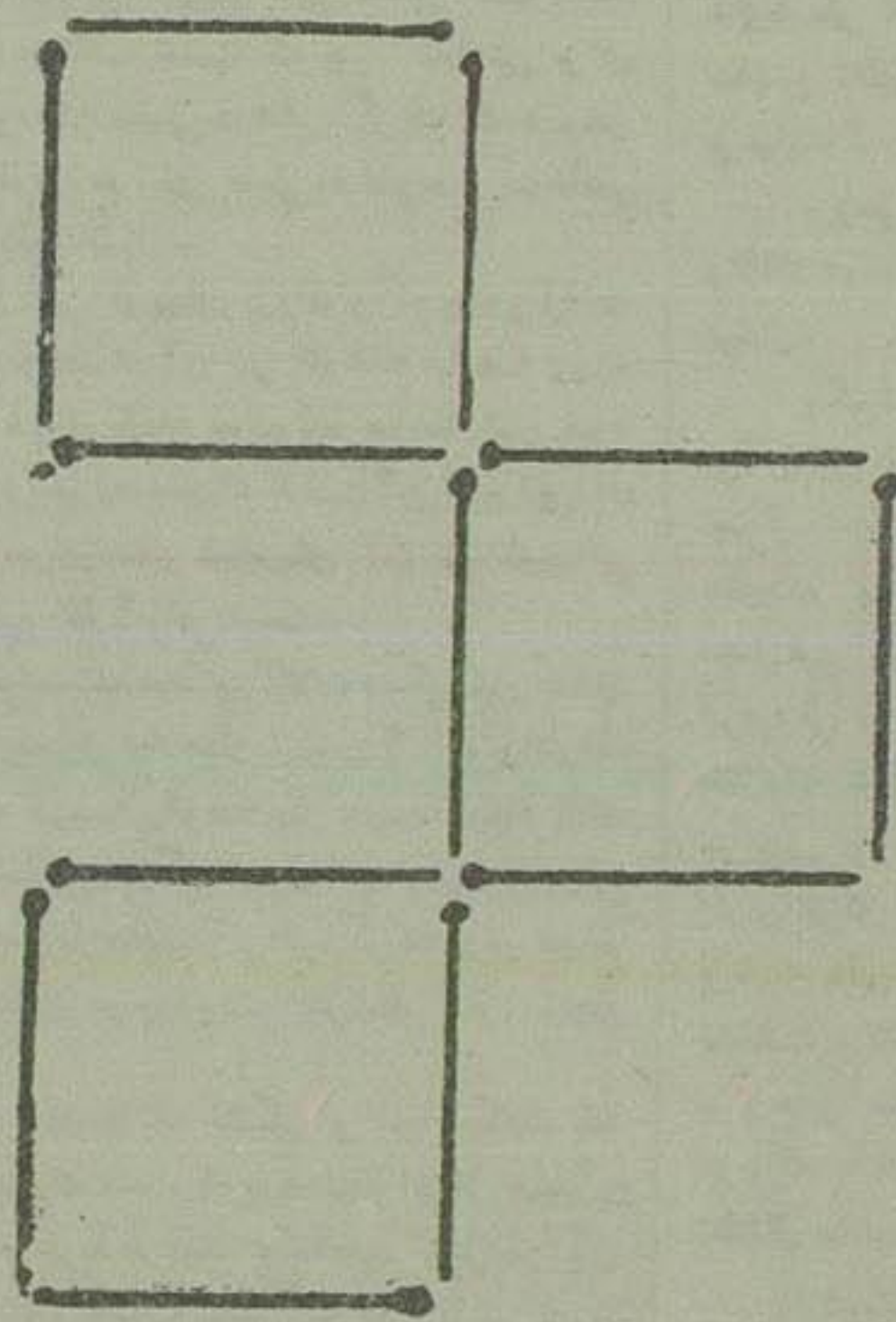
در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۱۹ آقای جعفر قاضی اعظمی صاحب ششنامه ۹۹۴۲
۱۳۰۶ فرستاده که بستند بگبرک رو نوشت گواهی نامه و بگبرک رو نوشت شناس
نامه خود دادخواستی بشماره ۱-۸۹۶۹ ثبت شد از دادگستری گواهی تقاضای صدور
گواهی نامه عنقر وراثت شد بدین توضیح که رفقا علی قاضی اعظمی دارنده ششنامه
شماره ۹۹۴۲ مدت از اسفند ۱۳۱۸ در شهرستان کرمان جایگاه هبگی خود فوت نموده
وراثت اومتصر یک پسر جعفر - قاضی اعظمی (متقاضی) و چهار دختر ۱ - معصومه ۲ -
اطمحه صفری ۳ - مرصع ۴ - سلطنت ودیهال دائمه بکی خدیجه و دیگران زبیده میباشد
افاضای صدور گواهی نامه حصر وراثت را ندوده است و پس از بازجویی از گواهان مراتب
معلوم نموت متوفی مایه یک مرتبه و سیله معبر رسی وزارت دادگستری و روزنامه اطلاعات
اعلام عمومی میسرانده که مرثیه اعتراضی بوارث و باحصر وراثت اشخاص مزبور دارد
و نیز اولین آگهی ظرف سه ماه اعتراضات خود را بدادگستری کرمان تقدیم نماید و الا پس
از گذشتن مدت قانونی وعدم وصول اعتراض طبق تقاضای گواهان گواهی مقتضی صادر خواهد
شد .
رئیس دادگستری کرمان - مهدی عقیلی
نوبت اول ۲۷ و ۲۸ ۱۹۲۰

سرگرمی امروز



برای شما مقدور است که این تصویر را با دو بار تکرار کردن بشکل قلب دریاورید؟

سرگرمی هفته پیش



بطوریکه ملاحظه می شود از بازتوده کبریتی که شکل مربع تشکیل شده بوده کبریت برداشته شد و فقط سه مربع باقی ماند.

طرح کننده: ناصر الهامی

گافد • شیشه • فیلم • دوربین عکاسی • دواجات



وارد

سفارشات شهرستانها در اندک مدت انجام و فرستاده میشوند

تجارتخانه مارتین تهران

نماینده  در ایران

۱۷۷۰-آ

آگهی

چون داد نامه درماندگی آقای محمد ظرونجی بازکارن مقیم رشت اردادگاه شعبه دو دادگاه شهرستان رشت صادر و این جانب بسمت مدیر تصفیه عمل مشارالیه تعیین گردیده ام بموم بستانکاران بازکارن درمانده اخطاری می شود برای رسیدگی بوضعیت درمانده شایسته است رو نوشت گواهی شده مدارک و اسناد بستانکاری خودشان را (اعضای مقیمین ایران یکماه و مقیمین خارجه دو ماه) بدفتر دادگاه شهرستان رشت تقدیم دارند تا در حدود مقررات اقدام گردد

مدیر تصفیه درمانده: علی اصغر آذرینا

۱۳۶۹-آ ۳-۱

سالن رقص مادموازل زیبا

انواع رقصهای تانگو، رومبا، اسلوفو کس، والس، والس بوستون، فوکس، والس انگلیسی، والس آلمانی یاسه دوئل، کنکا با آخرین اسلوب اروپا تعلیم داده می شود

اوقات تعلیم: برای خانها از ساعت ۸ تا ۱۲ - برای آقایان از ساعت ۱۶ تا ۲۱ برای پراکت شبهای جمعه و سه شنبه از ساعت ۱۸ تا ۲۰

نشانی: خیابان سوم اسفند کوچه مقابل اپرا تلفن ۴۰۲۲

۱۱۷۱-آ ۵-۳

املاک مزروعی عراق گهره بروجرد ملایر

و اطراف تهران

خریداری و اجاره با تمویض با املاک شهری مراجعه شود به بنگاه کارکنانی کوشش خیابان بوذرجمهری مقابل بازار تلفن ۷۹۹۷

مدیر موسس رحیم جوادی ۱۱۷۵-آ ۴-۳

بشرکت ساختمانی بنا آپارنگار

برای ساختن هر گونه بنا و داشتن نقشه به آخرین طرز ساختمانی مراجعه فرمائید

نشانی: خیابان نوپهاره تلفن ۷۷۷۵ ۴۴۷-آ ۱۶-۱۶

مغازبهترین منسوجات انگلیسی

شرکت نسبی ساسونی خیابان لاله زار موقتا پیاشار ایران انتقال یافته است

۱۵-۲ ۱۲۷۶-آ

تیاژ مندیها

درس آلمانی - انگلیسی و فرانسه
جمعی واقفادی سریع و کامل در سه ماه
بوسیله پرفسور اروپائی
دستور زبان - مکالمه - ارسال مراسلات
معمولی و تجاری ۰ ترجمه و غیره شمارا برای
تمام کلاسهای عالی در مدت کمی حاضر می نمایند
نشانی: خیابان شیخ هادی (خیابان شاه)
کوچه دکتر سیاح نمره ۵۵ جنب بیمارستان. دکتر محمد
۱۳۶۴-آ

بواسطه مسافرت با آمریکا
یک تیانو بکر فروش میزنند طالبین در
روزهای دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۵ بعد
و در روز جمعه از صبح تا ظهر به میسیون
امریکائی (دبیرستان نوربخش) واقع در خیابان
رفائل آمده و بدریان رجوع نمایند
۱۳۶۶-آ ۴-۴

بشع شما است
برای فرا گرفتن ماشین نویسی با آموزشگاه ترقی
خیابان شاهپور مقابل سینمای جهان مراجعه فرمائید
۱۱۴۵-آ ۵-۱

خانه اجاره جهت یک زن و مرد آلمانی
دائمی ۴-۴ اطاق و زیرزمین - حمام
برق - باغ فضا دار و درختهای سایه دار
کرایه در ماهه قریباً ۱۰۰۰۰ ریال داخل شهر
باشند در ۳۴۳۳ بدفتر اداره روزنامه اطلاعات
آپاهی خود را تحت شماره ۴۴ مرقوم دارند
۱۳۶۲-آ ۴-۲

چون دیلمه که خدمت زیر پرچم را به
پایان رسانیده و دفتر داری میداند حاضر است
در یکی از بنگاه ها استخدام خود خواستارن به
دفتر روزنامه اطلاعات مراجعه فرمائید
۱۳۶۲-آ ۴-۲

یکتاب خانه
دفترای هفت اطاق و سایر لوازم واقع
در چهارراه حسن آباد کوچه محمودیان کاشی
شماره ۴۷ و تصرفی داده میشود طالبین بهمان
خانه مراجعه نمایند ۱۳۷۵-آ ۴-۴

داستان خرداد ماه

سوریده

نگارش ح. م. حمید

شعرین - عجیب - پرحادثه - مؤثر
حاوی دلکش ترین نکات عشق و اخلاق -
و اهنای بزرگ دلباختگان و حقیقت جوین -
مایه عبرت و شادمانی - روزی پنجاه ۲ خرداد
بیهای ۵۰۰ ریال منتشر میشود

کتابفروشی رازی
۱۱۷۶-آ ۵-۴

تلفن ۹۶۱۱۶

حاضر انجام مراجعات ذیل می
باشد - پول - اتومبیل - زمین - ده - خانه
باغهای بیلاقی - محل مغازه بین المللی
خیابان شاه (اسلامبول) کاشی شماره
۱۳۴۵ اوقات کار هشت صبح الی دوازده
و ساعت ۱۵ الی ۲۰

۱۳۶۱-آ ۳-۱

دکتر نظام الدین احتشام
همه روزه از ساعت هشت صبح تا ظهر
و از ساعت چهار بعد از ظهر تا هشت از ایشان
محترم پذیرائی میکند

نشانی: چهارراه حسن آباد کوچه جنب
آتش نشانی تلفن ۶۳۱۰

۱۳۳۷-آ ۴-۳

آگهی

آداره کاربردازی ارتش سرقم پرچم بطول دو متر در یک متر با شیر غورخید و یک متر
در هفتاد سانتیمتر با شیر غورخید و نود سانتیمتر در چهل و چهار سانتیمتر بدون شیر غورخید با ضافه
مقدار طلب لازمه طبق شرایط زیرین بناقضه خریداری مینماید پیشنهاد دهندگان می توانند پس
از مراجعه بکاربردازی مغازن طهران بارویت نمونه های مورد معامله و کسب اطلاعات و
مشخصات مربوطه پیشنهادهای خود را بشرح پایین تهیه و ارسال دارند

۱ - نازلترین ارزش پیشنهادی را با مشخصات مربوطه و نشانی پیشنهاد دهندده
در پاکت لاگذاری که روی آن عبارت راجع (بناقضه پرچم) نوشته شده و یکریال تمبر مالیاتی
چسبانیده باشند تا آخرین وقت اداری روز نوزدهم خردادماه مستقیماً با سفارشی دوقبضه بدفتر
کاربردازی مغازن تسلیم نمایند

۲ - ضامن معتبری که اعتبار اداری او در حدود نصف بپاء مورد معامله بگوامی
شهریانی با کلاتری مربوطه رسیده باشد تمیین و معرفی نامه را بیوست پیشنهاد نموده مبلغ
دو هزار ریال بنام این اداره در خزانه داری ارتش سیرده رسیده آنرا بیوست پیشنهاد بفرستند
سیرده آنهایی که رنده مناقضه شناخته نشوند مسترد و سیرده رنده مناقضه دوصورتیکه از امضاء
بیان خودداری کند بفع ارتش با کلاکی میشود

۳ - پیشنهاد های رسیده ساعت ۹ روز بیستم خرداد ماه در کیسیون متشکله در
کاربردازی مغازن با حضور پیشنهاد دهندگان که حاضر شده اند باز و رسیدگی خواهد شد
۴ - پیشنهادهایی که حائز شرایط بالا نبوده و بموقع نرسد ترتیب اثر داده نمی
شود

شماره ۶۶۱۳۳۳ ۷۷۹۳۳۳ ۱۲۴۹۱-آ ۲-۲ کاربردازی ارتش

شب نشینی با شکوه

مهمانخانه بزرگ دربند

روز پنجشنبه دوم خرداد ساعت ۲۱

متمنی است برك ورودید را

قبلا از شرکت سهامی ایران تور

تهیه فرمائید

ایران تور

۳-۳

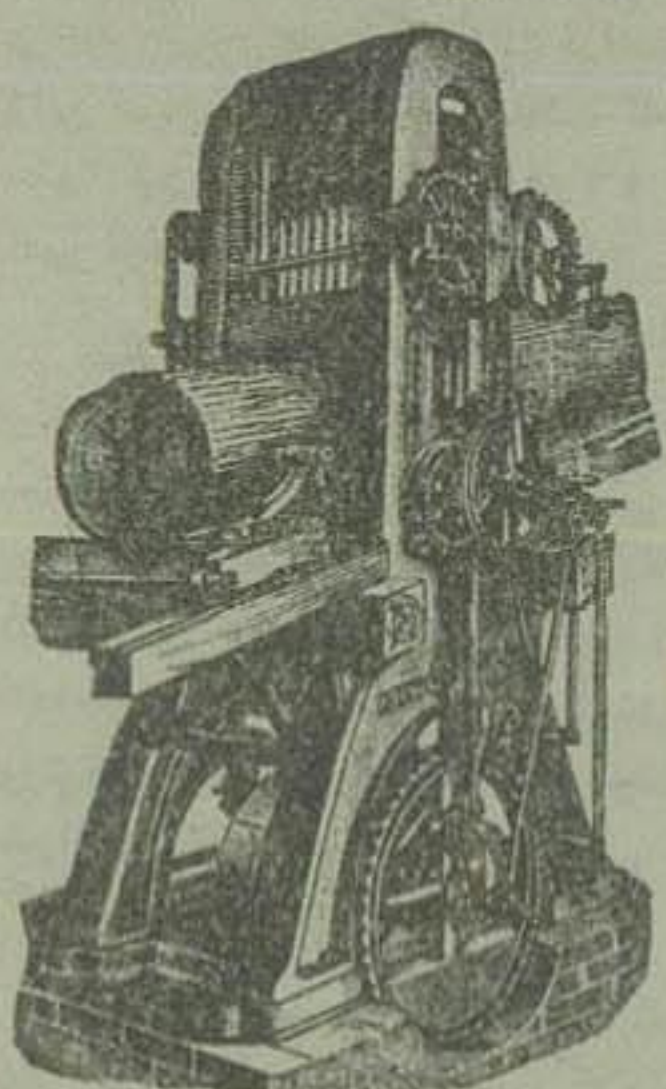
۱۲۵۰-آ

در انبار موجود داریم

یک ماشین الوار بر سریع و عالی کار جدید
ساخت کارخانه گیرشتر لیزیک

تری امف

مدل ك ل د ۲



عرض دهانه ۶۵۰ میلیمتر
ارتفاع برش تا ۶۰۰
هوب ۵۰۰
تعداد دوران در دقیقه ۲۸۵

توانائی برش ۵ تا ۹ متر مکعب الوار -
ساعت ۴ متر چوب چهار گوش در دقیقه

بعلاوه ماشینهای دیگر چوب بری که فوراً
در انبار خود میتوانیم تحویل دهیم

ماشین نجاری سرهم اوئیورسال
ماشین تراش چوب
ماشین اره مدور
ماشین فرز
و غیره

ویلی شل - تهران چهار راه مخبر الدوله
۱۱۱۴-آ ۵۴۵ تلفن ۴-۲

دور بینهای ثمودولیت جدید وارد شد

برای خرید مراجعه نمایند بمنزل شماره ۲۲ در آخر دالان داخلی واقع در کوچه برلن
۱۳۴۳-آ ۳-۲

چاپ دوم کتاب اول و دوم

خواندنی های کودکان منتشر شد ۶۴۴-آ ۱۰-۱۰

شفای نیک

علاج قطعی سوزاك تازه و كهنه

بنگاه بیمارهای زهری (بیمارستان امراض مقاربتی) تصدیق نموده که (شفای نیک)
داروی موثر و مفید سوزاك تازه و كهنه میباشد - شماره بهداشتی شهرداری ۱۳۲۸۲
مرکز فروش کلی و جزئی داروخانه شفا تهران خیابان ناصر خسرو و سایر داروخانه های مهم
۵۷۲-آ ۱۵-۱۲

اقتباس و نگارش در نامور - ۷۲ -

تالیف ج. ج. و لژ

دانشمند معروف انگلیسی

جنگ آینده

قسمت پانزدهم

جمعیت باعجله و شتاب از اطراف و جوانب پراکنده شده و از توپ دور میگردند: بر لرزش و ارتعاش توپ افزوده میشود: ناگهان آهروای مهیب و رعد آسا که انعکاس آن تا چندین کیلومتر طنین انداز میگردد شنیده میشود: گلوله ای به بررسمی اطاق کوچکی از دهانه لوله که سرعت برق خارج گردیده بیرون می آید و در فضای لایتنای پیش رفته و از انفجار فنی میشود.

هیئت و مهابت این تکان و غرش چنانست که تا چند کیلومتر از هر سو زمین بلرزه آمده و گرد و خاک بر هوا بلند می شود: بادی سریع در اثر عکس العمل این حرکت پدید آمده و گمانی را که هنوز در کنار توپ هستند بلند کرده چند متر به اطراف پرتاب میکند: یکی از این اشخاص توتو کوپولی میباشد: وقتی بر زمین می افتد در اثر تکان شدید مدهوش میشود: گرد و خاک فضا را فرا میگیرد و تا لحظه ای چند اثری از چیزی و کسی پدیدار نیست.

ساعتی از حوادث بالا گذشته است: کابال و پاس واری در درون تجربه خانه در پشت فلکوب عیبی هم سر آمد اختراعات این عصر و زمان است این تاده و فضای آسمان را تماشای کنند: کابال حالتی همچنان آمیز دارد و پاس واری با کمال حرارت میگوید:

« نگاه کنید: نگاه کنید: آن قطعه نورانی را ببیند باجه سرعتی دور میشود، فرزندان ما گویا هستند: میروند: بکره ماه میرسند: نگاه کنید!

پاس واری حالتی حزن انگیز و قیافه ای گرفته و درهم دارد. با کلماتی هکست در جواب کابال میگوید:

« بنظر من ... کاری که ما کردیم کاری عتوی ... و اهریمنی بود »

کابال خندیده میگوید: « من ایمان دارم

کارخانه مشمع قیر اندود سازی

پیر و آگاهی شماره ۷۸۶۰ در جریده اطلاعات نیز در نتیجه توسعه و مرغوبی حاصل این کارخانه خاطر صاحبان ساختمانها را برآب ذیل معطوف میدارد:

- ۱- تا بحال مشمع قیر اندود که برای پوشش بامها و زیر بنا ها که از خارجه وارد ایران می شده درجه دوام اغلب آنها در مقابل حرارت هوای ایران تاب مقاومت نداشته زیرا که ساخت آنها روی اصل هوای میداء بوده
- ۲- اینک تجارتخانه قلی پور با تحمل زحمات و مخارج زیاد توانسته است مشمع هائی که در مقابل آب و هوای ایران مقاومت لازمه را داشته باشد تهیه نماید
- ۳- جدیدترین مشمع کارخانجات قلی پور که به ابعامت ۱۹×۴ می باشد مطابق گزارش شماره ۴۱۴۹ اداره محترم کنسرسیوم کامپاسکس در مقابل صد درجه حرارت و در فشار ۱۳ متر آب دوام آورده و بخریداران محترم اطمینان میدهد که در مقابل حرارت بیشتری نیز دوام خواهد داشت
- ۴- لازم است مصرف کنندگان مشمع بامپوش بنگات فوق توجه نمایند زیرا مشمع های دیگری که تقلید محصول کارخانه این تجارتخانه ساخته میشود خواص اصلی فوق را حائز نمی باشند لذا قبل از خرید تصدیقی که راجع به نکات اصلی فوق باشد درخواست نمایند تا دو چار خسارت های مختلفی نشوند - طالبین بهترین مشمع قیر اندود میتوانند ببنشانی زیر مراجعه نمایند - تهران خیابان سپه تجارتخانه قلی پور تلفن ۷۱۱۶

بالت و کنسرت عالی

توسط مادام در تساکیان
ساعت ۹ بعد از ظهر روز ۵ شنبه ۲ خرداد ۱۳۱۹
در سالون کلوب ارمانه

باشتراک عدد از دوشیزگان و جوانان
پس از خاتمه بالت مجلس شب نشینی و رقصهای عمومی است
محل فروش بلیط: کلاس رقص مادام در تساکیان خیابان شاه آباد
مغازه آیتا - چهار راه لاله زار
در کلوب - شب نمایش

آگاهی

نظر به تبصره (۲) ماده (۲) قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد مصوب اسفند ماه ۱۳۱۲ بکلیه خدمتگزاران دولتی و کشوری و شهرداری و بطور کلی بعموم اشخاصیکه از دیگران حقوق دریافت میدارند اخطار میشود که مطابق تبصره مذکور هرگاه در سال ۱۳۱۸ مالیات حقوق و درآمدهای دیگر خدمتگزاران (از قبیل حق الکفاله - حق الزحمه - کارمزد - پاداش - فوق العاده - کمک هزینه - استفاده های غیر نقدی - حق العمل - دلالی - حق داوری - شرط بندی - سود سهام - سود سهم الشرکه - سود معاملات نزولی - سود معاملات غیر منقول و امثال آنها) نسبت بمجموع کسر نشده باشد شخصا موظفند تا ۱۵ خرداد صورت کلیه حقوق و سایر درآمدهای سال گذشته خود را در اظهار نامه رسمی تنظیم و مابه التفاوت مالیات متعلقه را بصندوق دارائی تادیه نمایند.

برای اجرای این منظور اظهار نامه مخصوصی تهیه شده و کلیه مشمولین مقررات بالا میتوانند با داره کل مالیات مستقیم واقع در خیابان شاه (شاه آباد سابق) دایره حقوق مراجعه و از برکهای نامبرده تحصیل و درآمدهای خود را در آن برکها ذکر و مابه التفاوت مالیات متعلقه را پرداخت کنند.

هرگاه مشمولین تبصره مزبور تا انقضاء مدت مقرر از انجام تکلیف قانونی خود استنکاف ورزند مالیات آنها رأساً تشخیص و باضام جرائم متعلقه و زیان دیر کرد وصول خواهد شد. شماره ۱۴۲۷

آ- ۵۶۵ ۷-۴ اداره کل مالیات مستقیم

آخرین فرصت

مراسم قرعه کشی بلیت های بهار ۱۳۱۹ بین جمعه ۲۷ اردیبهشت و جمعه سوم خرداد (آخرین روز اسب دوانی) در کافه شهرداری معمول اسای برندگان از روز شنبه ۲۸ خرداد اعلام میگردد تا وقت باقی است از خوشدستی صراف ر. اعظم استفاده فرمایند که قهرمان خوشدستی است نخست عامل رسمی باشگاه سوارکاران - صرافی ر. اعظم

آ- ۱۲۶۴ ۳-۳

برنامه سینما ایران

آگاهی

شرکت سهامی قماش برای رفاه حال مصرف کنندگان قماش و بویژه کسانی که در روزهای غیر تعطیل موفق بخرید قماش نمیشوند در نظر گرفته است مغازه های جزئی فروشی خود را در تهران بشرح زیرین به چهار دسته تقسیم نموده و هر دسته در یکی از جمعه ها باز و بفروش جنس مشغول باشند.

دسته دوم
مغازه شماره ۳ واقع در خیابان سعدی مغازه شماره ۹ واقع در میدان بهارستان
» ۵ » سپه » ۱ مقابل بازار
» ۱۴ » دروازه گمرک » ۱۵ میدان شاه
دسته سوم
مغازه شماره ۶ واقع در سه راه شاه مغازه شماره ۱۶ خیابان لاله زار
» ۴ » خیابان » ۷ خیابان بوذرجمهری
» سوم اسفند مقابل بانک ملی
مغازه شماره ۸ واقع در سه راه امین حضور مغازه شماره ۱۳ میدان اعدام
ایام کشیک مغازه های نامبرده فوق از این تاریخ تا هفتم شهریور ماه سال جاری بشرح زیرین است:

دسته اول جمعه های ۲۷ اردیبهشت ۲۴ خرداد ۲۱ تیر ۱۸ مرداد
» دوم » ۳۱ خرداد ۲۸ تیر ۲۵ مرداد
» سوم » ۱۰ خرداد ۷ تیر ۴ مرداد ۱ شهریور
» چهارم » ۱۷ » ۱۴ » ۱۱ » ۸ »
ضمناً اضافه مینماید که مغازه جزئی فروشی شماره ۳ شرکت واقع در دربند در مدت نامبرده بالا هر جمعه باز خواهد بود
شرکت سهامی قماش
۱۳۶۴-۲ ۲-۴

آگاهی

بعموم سازندگان حبوشرب ترك تریاک

چون اداره کل بهداری در نظر دارد مقدار مصرفی دیونین را که برای ساخت داروی ترك تریاک در تمام کشور بکار میرود بدست آورد مقتضی است سازندگان داروی نامبرده از این تاریخ تا ۲۵ خرداد ۱۹۳۲ صورت مصرفی حب یا شربت ترك تریاک اختصاصی خود را طبق نمونه چاپی ۲۲۳ مصرحه در ماده ۱۰۵ پروانه مربوطه که در دست دارند تهیه و با ذکر حد اقل و حداکثر مصرف دیونین در هر ماه بشبه ادویه معذره اداره کل بهداری ارسال نمایند.

تدبیری است چنانچه در انجام این مقصود غفلتی شود که در نتیجه صورت مطلوب دیرتر از موعد مقرر به این اداره برسد و یا بنظوری مقدار مصرفی دیونین را برخلاف حقیقت گزارش دهند مفاد ماده ۱۱۵ پروانه ساخت داروی ترك تریاک در باره آنها اجرا خواهد شد: شماره ۷۹۳۷
رئیس کل بهداری
آ- ۱۳۰۴ ۵-۲

یقین است هر کس قصد خرید رادیو دارد بمحض خواندن این آگاهی چند روزی صبر خواهد نمود

رادیو های تلفونکن بهترین رادیو های عالم
مارک ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱
برای مغازه رادیو تلفونکن - میدان مخبر الدوله میرسند
همه نوع لامپهای تلفونکن و سایر بدکی ها موجود و انواع رادیو تعمیر می شود
آ- ۹۹۶ ۱۰-۹

اسانسان جات

از قبیل روم، کنیاک، زبر فگا، لیمو، پرتقال، آلبالو، توت فرنگی و غیره وارد جزئی و کلی بفروش میرسند.
علی قاسمی - سرای سقا باشی تهران
آ- ۱۲۹۲ ۲-۲

آگاهی

بدوشیزگان و بانوان و آقایانی که داوطلب ورود به هنرستان هنرپیشگی میباشند آگاهی داده میشود که دفتر هنرستان برای نوشتن نام داوطلبان جهت دوره دوم از این تاریخ تا دهم خرداد ماه ۱۳۱۹ همه روزه از ۷ تا ۹ بعد از ظهر باز و داوطلبان میتوانند برای نوشتن نام و اطلاع از شرایط ورود بدفتر هنرستان واقع در اول خیابان لاله زار خانه معروف بنخانه علاء الدوله مراجعه نمایند.
تحصیل در هنرستان رایگان بعلاوه به هنر جوان کمک هزینه ماهیانه نیز داده خواهد شد. دفتر هنرستان هنرپیشگی
آ- ۱۰۴۵ ۵-۵

دکتر حسین ریاضی

مبتلایان بسیاری زنانه و مامائی را بعد از ظهرا در زایشگاه و بیمارستان خصوصی خود پذیرفته و برای خانمهای بی اولاد بهترین و کاملترین وسائل معاینه و معالجه را در دست معالجات - بابری خیابان استخر کوچه یزوت تلفن ۷۰۲۵ شماره ۱۴۵۵۱
آ- ۸۶۸ ۱۰-۷

امشب

آغاز سانس شب ساعت نوزده و نیم
۲ - چگونه باید روز را آغاز نمود
فیلم طولانی برنامه - شاهکار صنعتی - عشقی - موسیقی و رقص

عروس ها و ائسی

به اشتراک - درخشانترین ستارگان رادیو و فیلم - خوانندگان و رقاصان نامی

دینک گروزی - بوب نورن - مارتاری و شرلی روس

عشق و راهوانی - عروسی در ویکیکی - رقص در بهشت روی زمین - آواز در اقیانوس بهناور - فیلم دیدنی - شاهکار فراموش نشدنی - داستان شیرین - عشق نمکین
زیر نویس فرانسه
۱۳۶۰ - آ

امروز

آغاز سانس روز ساعت شانزده و سه ربع

۱ - فیلم آخرین اخبار و وقایع جهان
۲ - فیلم طولانی برنامه - شاهکار صنعتی - عشقی - موسیقی و رقص

